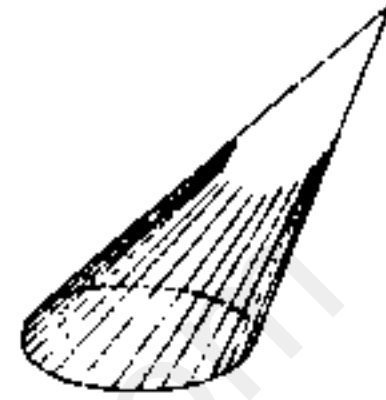
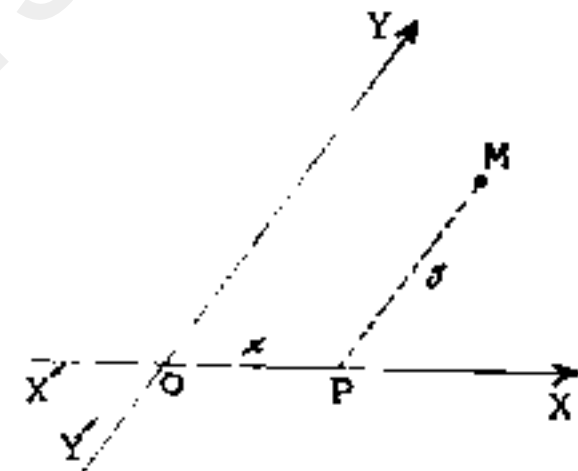


Oblique	ماایل - کج - مورب
Oblique angle	زاویه غیر قائمه - زاویه حاد یا منفرجه
Oblique circular cone	مخروط ماایل دوار
Oblique cone	مخروط ماایل



Oblique coordinates	مختصات ماایل - مختصات دکارتی که محورهاى آن متعامد نیستند.
---------------------	---

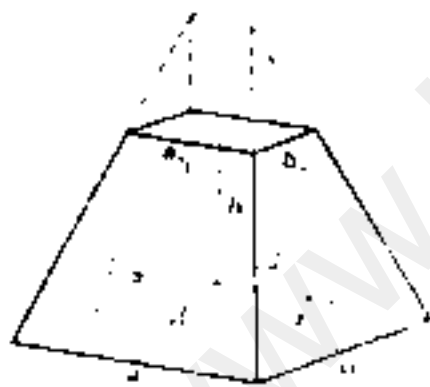


Oblique cylinder	استوانه ماایل
Oblique line	خط ماایل
Obliquely	بطور اریب یا ماایل
Obliqueness	کجی - تعایل
Oblique plane	صفحه ماایل
Oblique prism	منشور ماایل - منشوری که وجوه جانبی آن بر سطح قاعده‌ها بیش عمود نیستند.
Oblique triangle	مثلث غیر قائم‌الزاویه
Obliquity	انحراف - میل
Oblong	مستطیل
Oblongated	امتداد یافته
Obovate	مقطع طولی نخم مرغ
Obscure	بمبجه و مبهم
Observability	قابلیت رویت
Observable	مشهود - قابل رویت

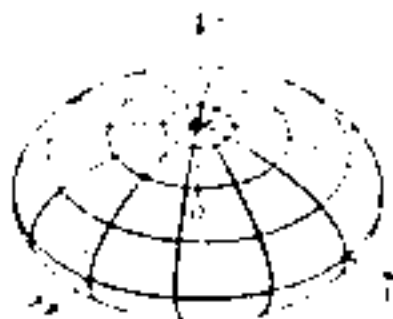
O

0 با نهمین حرف الفبای انگلیسی:

Obelisk - جسمی شبیه هرم با قاعده مربعی که قاعده‌هاى آن در دو مستطیل موازی بوده و وجوه متقابل آن با قاعده‌ها زوایای مساوی می‌سازند و بالهای جانبی آن متقارب نیستند.

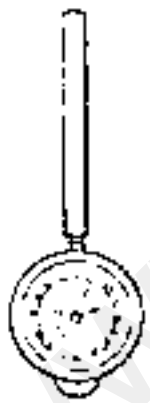


Object	شیء - چیز - جسم
Objective	عینی
Oblate	پخ - فشرده شده
Oblate ellipsoid	بیضوی پخ - بیضوی حاصل از دوران یک بیضی حول محور افصر آن.



Observation	مشاهده - ملاحظه - رصد	Odd number	عدد فرد
Observatory	رصدخانه - زیج	Odd polynomial	چندجمله‌ای فرد
Observe	ملاحظه کردن - مشاهده کردن - نگرینی	Offset	خارج از خط - خارج از مرکز - متناظر
Observer	راصد - ناظر	Off spring	مبدأ - منشاء
Obtain	بدست آوردن - کسب کردن - حاصل کردن	Of order.....	از مرتبه.....
Obtuse	منفرجه - منفرجه الزاویه	Omission	حذف
Obtuse angle	زاویه منفرجه	Omit	حذف کردن
Obtuse triangle	مثلث منفرجه الزاویه	On	روی - روی
Obverse	طرف مقابل - نقیض - معکوس	On a circle	بر یک دایره - روی یک دایره - واقع بر دایره
Obversion	استنتاج معکوس	One	یک
Obvert	نمای چیزی را عکس کردن - عکس کردن	One - dimensional	یک بعدی
Obviate	رفع کردن - رفع نیاز کردن	One - dimensional space	فضای یک بعدی
Obvious	بدیهی - آشکار - معلوم - واضح	One - element set	مجموعه یک عنصری
Obviously	آشکارا - بطور آشکار	One - sheet	یک پارچه
Occupation	اشغال - تصرف	One - sided	یک پهلو - یک طرفه - یک جانبه
Occupy	اشغال کردن - تصرف کردن	One - sided derivative	مشتق یک طرفه
Occur	پیش آمدن - رخ دادن - واقع شدن	One - sided limits	حدود یک طرفه
Occurrence	وقوع - رویداد - رخداد	One - sided surface	سطح یک روپه
Occurrence of an event	وقوع یک پدیده - وقوع یک پیشامد	One - to - one	یک به یک
Octa=octo=oct	پیشوندی بمعنای هشت	One - to - one correspondence	تناظر یک به یک
Octa	هشت	One - to - one function	تطابق یک به یک
Octad	هشت - هشت تایی	One - to - one mapping	تابع یک به یک
Octagon	هشت ضلعی	One - to - one transformation	نگاشت یک به یک
Octagonal	هشت گوشه‌ای - هشت ضلعی شکل	One - valued	تبدیل یک به یک
Octahedron	هشت وجهی	One - valued function	یک ارزشی - یک مقداری
Octal	هشت تایی - مربوط به هشت	One - way	تابع یک ارزشی - تابع یک مقداری
Octamerous	هشت جزئی - هشت هشت - دارای ساختمانی با اجزاء هشت تایی	One - line	یک طرفه - یک جانبه - یک راه
Octangular	هشت گوشه	Only if	روی خط
Octillion	اکتیلیون - عدد 10^{27} در دستگاه آمریکائی و 10^{28} در دستگاه انگلیسی	On the contrary	فقط اگر
Odd	فرد	Onto	بر خلاف - برعکس
Odd function	تابع فرد	Onto function	پوشا - بر روی
Odd integer	عدد صحیح فرد	Onto mapping	تابع پوشا - تابع بر روی
Odd inversion	انعکاس فرد - انعکاسی که قطب آن در مبدأ مختصات باشد انعکاس فرد نامیده می شود	Onto transformation	نگاشت پوشا
		Open	تبدیل پوشا
		Open covering	باز
			پوشش باز

Open curve	منحنی باز - منحنی غیر بسته
Open disc	کرده، باز
Open interval	فاصله، باز
Open-loop	حلقة، باز - مدار باز
Open mapping	نگاشت باز
Open region	ناحیه، باز
Open set	مجموعه، باز
Open set of points	مجموعه، باز نقاط
Open traverse	خط نکسته، باز - خط نکسته‌ای که ابتدا و انتهای آن منطبق نیستند.
Operand	عملوند
Operate	عمل کردن
Operation	عمل
Operational	عملی
Operational calculus	حساب عملی
Operational method	روش عملی
Operative	عملی - مؤثر - کارگر - عامل - عمل کننده
Operator	اپرانور - عملگر - عامل
Operator of integration	عملگر انتگرالگیری
Opisometer	وسيله اندازه‌گیری طول منحنی



Oppose	مخالفت کردن - مقابله کردن - ضدیت کردن
Opposite	مخالف - مقابل - روبرو - مقابل
Opposite angles	زوایای متقابل - زوایای روبرو
Oppositely	متقابلاً
Opposite sides	اضلاع روبرو
Opposition	تقابل
Optical	مربوط به چشم
Optical property of conics	خاصیت نوری معاطع مخروطی
Optics	علم نور - فیزیک نور
Optimal	بهین

Optimality	کمینه‌بهین بودن
Optimization	بهینه‌سازی
Optimize	بهینه‌سازي
Optimum	بهینه - بهترین
Or	یا
Orb	گوی - جسم کروی - مدورجیزی
	گشتی - کروی شدن - به مدار شعاعی گشتی
Orbed	گرد - کروی
Orbiculate	گرد - کروی - مدور
Orbicular	گرد - کروی - مدور
Orbicularity	کمینه‌گرد یا کروی بودن
Orbicularly	بطور کروی - بطور مدور
Orbit	مدار - مسیر - فلجرو - مدورمداری گشتی - دایره وار حرکت کردن
Orbital	مداری - مسیری - مدار - مسیر - هرجواب معادله، موجی شرودینگر که بیانگر یک حالت یا حرکت ممکن یک الکترون در اتم یا ملکول است.
Order	رتبه - مرتبه - رتبه - درجه - ترتیب - نظم - مرتب کردن
Ordered	مرتب - مرتب شده
Ordered additive group	گروه جمعی مرتب
Ordered field	میدان مرتب - هفت مرتب
Ordered n-tuple	n تایی مرتب
Ordered pair	زوج مرتب - جهت مرتب
Ordered ring	حلقة، مرتب
Ordering	ترتیب - ترتیبی - مرتب سازی
Ordering relation	رابطه، ترتیبی - نسبت ترتیبی
Order on the number line	ترتیب روی محور اعداد
Ordered numbers	اعداد مرتب
Ordered quadruple	چهار تایی مرتب
Ordered set	مجموعه، مرتب - اگر رابطه R یک ترتیب مجموعه، E باشد، این مجموعه را به انضمام آن رابطه مجموعه، مرتب E بر حسب رابطه ترتیبی R خوانند.
Order of an algebraic curve or surface	مرتبه، منحنی یا سطح جبری

Orderless	بی‌ترتیب - بی‌نظم	Ordinals arithmetics	حساب اعداد ترتیبی
Orderliness	نظم - ترتیب	Ordinals product	ضرب اعداد ترتیبی
Orderly	مرتبا - بطور مرتب	Ordinals sum	حاصل جمع اعداد ترتیبی
Order mapping	نگاشت ترتیب	Ordinary	معمولی - عادی
Order of a cyclic group	مرتبه یک گروه دوره‌ای	Ordinary differential equation	معادله دیفرانسیل عادی
Order of a derivative	مرتبه یک مشتق	Ordinary differential equation of the first order	معادله دیفرانسیل عادی مرتبه اول
Order of a determinant	مرتبه یک دترمینان	Ordinary point	نقطه عادی
Order of a differential equation	مرتبه یک معادله دیفرانسیل	Ordinary point of a curve	نقطه عادی یک منحنی
Order of an equation	درجه یک معادله	Ordinate	عرض یک نقطه در صفحه مختصات دکارتی - مرتب کردن
Order of an infinitesimal	مرتبه یک بینهایت کوچک	Ordinate set	مجموعه عرض
Order of an infinity	درجه یک بینهایت بزرگ		فرض می‌کنیم f تابعی حقیقی تعریف شده روی زیر مجموعه S از R^n بوده و به ازاء هر $x \in S$ داشته باشیم $f(x) > 0$. بنابه تعریف مجموعه عرض f روی S عبارتست از:
Order of a Lipschitz mapping	درجه یک نگاشت لپسیتز		$\{(x_1, \dots, x_n, x_{n+1}) \mid (x_1, \dots, x_n) \in S, 0 < x_{n+1} < f(x_1, \dots, x_n)\}$
Order of a pole	مرتبه یک قطب	Ordination	دسته بندی - طبقه بندی
Order of a radical	درجه یک رادیکال	Organize	سازمان دادن - مرتب کردن
Order of a root	رتبه یک ریشه - تعداد دفعاتی که یک ریشه معادله‌ای تکرار می‌شود.	Orient	جهت یابی کردن
Order of a zero	مرتبه یک صفر	Orientable	جهت پذیر
Order of contact	مرتبه تماس	Orientable trajectory	مسیر جهت پذیر
Order of multiplicity	مرتبه تکرار	Orientation	جهت - جهت یابی
Order of magnitude	درجه بزرگی - دامنه‌ای از اندازه‌ها از یک مقدار تا ده برابر همان مقدار	Orientation-preserving	حافظ جهت
Order - preserving	حافظ ترتیب	Orientation-reversing	عکس جهت - جهت برگردان
Order properties of the real numbers	خواص ترتیبی اعداد حقیقی: الف - دقیقاً یکی از روابط: $x > y$, $x < y$, $x = y$ برقرار می‌باشد. ب - اگر $x < y$ آنگاه با زاویه هر z خواهیم داشت: $x + z < y + z$ ج - اگر $x > 0$, $y > 0$ آنگاه: $xy > 0$ د - اگر $x > y$, $y > z$ آنگاه: $x > z$	Oriented	جهت دار
Order relation	رابطه ترتیب	Origin	مبدأ - منشاء
Order - reversing	قلب کننده - ترتیب عکس ترتیب	Original	اولیه - آغازین
Order topology	توپولوژی ترتیبی	Originally	در ابتدا
Ordinal	ترتیبی	Origin of a ray	مبدأ یک نیم خط - مبدأ یک شعاع
Ordinal numbers	اعداد ترتیبی	Origin of cartesian coordinates	مبدأ دستگاه مختصات دکارتی
		Origin of coordinates	مبدأ مختصات
		Ortho-Orthocenter	بیتویدی به معنای راست و مستقیم محل برخورد سه ارتفاع مثلث

Orthogonal متعامد - راست گوشه
 Orthogonal basis پایه متعامد
 Orthogonal circles دایره متعامد
 Orthogonal complement اگر W یک زیر فضای V باشد، زیر فضای W^\perp را متمم متعامد آن گوئیم اگر: $W^\perp = \{x \in V \mid (x, w) = 0 \ \forall w \in W\}$
 Orthogonal coordinates مختصات متعامد
 Orthogonal functions توابع متعامد - توابع $\phi_1, \phi_2, \dots, \phi_n$ را که همگی روی فاصله $[a, b]$ تعریف شده باشند روی $[a, b]$ متعامد گویند هرگاه $\int_a^b \phi_n \phi_m dx = 0$.

$$\int_a^b \phi_n \phi_m dx = 0$$

Orthogonality تعامد
 Orthogonality relations روابط تعامد
 Orthogonalization متعامد سازی
 Orthogonalization process پروسه متعامد سازی - فرآیند متعامد سازی
 Orthogonalization theorem قضیه متعامد سازی

Orthogonal matrix ماتریس متعامد - ماتریسی که حاصل ضرب آن با ترانزپوز آن برابر ماتریس واحد باشد، یعنی: $A \cdot A^T = I$ هرگاه A یک ماتریس متعامد است.

Orthogonal polynomials چند جمله ایهای متعامد - دو چند جمله ای $p_n(t)$ و $p_m(t)$ را در فاصله (a, b) متعامد گوئیم هرگاه: $\int_a^b p_n(t) p_m(t) dt = 0$ باشد.

Orthogonal projection تصویر قائم
 Orthogonal set مجموعه متعامد - مجموعه ای که هر دو عنصر متفاوت آن متعامدند.

Orthogonal system دستگاه متعامد

Orthogonal system of curves on a surface دستگاه منحنی های متعامد روی یک سطح - دستگاهی شامل دودسته منحنی های یک پارامتری از سطح S را متعامد گویند هرگاه از هر نقطه p از این سطح یک منحنی از هر دسته عبور کرده و مماسهای وارد بر این دو منحنی در این نقطه برهم عمود باشند.

Orthogonal system of functions دستگاه توابع متعامد

Orthogonal trajectories مسیرهای متعامد - دودسته منحنی را مسیرهای متعامد می نامیم هرگاه هر عضو از یک دسته هر عضو از دسته دیگر را متعامداً قطع کند.

Orthogonal trihedron گنج سه قائمه

Orthogonal vectors بردارهای متعامد

Orthographic دارای خطوط عمودی یا زوایای قائمه

Orthonormal متعامد یکه

Orthonormal basis پایه متعامد یکه

Orthonormalize متعامد و یکه کردن

Orthonormal set مجموعه متعامد یکه

Orthonormal system دستگاه متعامد یکه

Orthotropic دارای محور اصلی کما بیش قائم

Oscillate نوسان کردن

Oscillate boundedly با دامنه محدود نوسان کردن

Oscillate unboundedly با دامنه نامحدود نوسان کردن

Oscillating نوسانی

Oscillation نوسان

Oscillator نوسان ساز - نوسانگر

Oscillatory نوسانی - ارتعاشی

Oscilloscope نوسان نما

Osculate بوسیدن

Osculating بوسان

Osculating circle دایره بوسان

Osculating plane صفحه بوسان

Osculating point نقطه بوسان

Osculating sphere of a space curve at a point کره بوسان یک منحنی فضائی در یک نقطه

Osculator بوسان

Osculatory بوسان

Ounce اونس - واحد وزن انگلیسی معادل $\frac{1}{16}$ پوند یا حدود ۲۸ گرم

Out خارج - بیرون

Outcome بی آمد - نتیجه - حاصل

Outer measure اندازه خارجی

Outer product حاصلضرب خارجی - حاصلضرب برداری

Outer product of two vectors حاصلضرب خارجی دو بردار - حاصلضرب برداری دو بردار هرگاه :

$$\vec{b} = b_1 \vec{i} + b_2 \vec{j} + b_3 \vec{k}, \quad \vec{a} = a_1 \vec{i} + a_2 \vec{j} + a_3 \vec{k}$$

باشد آنگاه حاصلضرب خارجی بردار \vec{a} در \vec{b} عبارتست از :

$$\vec{a} \times \vec{b} = \begin{vmatrix} \vec{i} & \vec{j} & \vec{k} \\ a_1 & a_2 & a_3 \\ b_1 & b_2 & b_3 \end{vmatrix}$$

Outer region ناحیه خارجی

Outline ریمبه - رنویس مطالب - مرز - پیرامون

Output خروجی

Outside بیرون - بیرونی

Outward خارجی - ظاهری - بطرف خارج - بیرونگرا - بیرونی

Outward vector بردار بیرونگرا

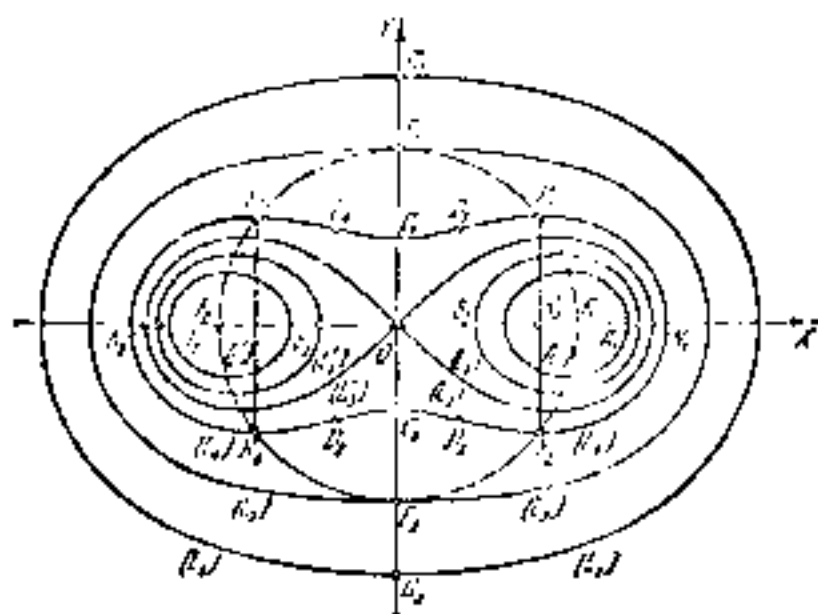
Oval تخم مرغی - سادامی

Ovally بشکل تخم مرغ

Ovals of cassini منحنی تخم مرغی نکل

کاسینی - مکان هندسی نقاط M که حاصلضرب فواصل آنها از دو انتهای پارابول $F_1 F_2 = 2c$ برابر مقدار ثابت a^2 باشد، یعنی :

$$MF_1 \cdot MF_2 = a^2$$



Over بالا - بالائی - رویی - پیشوندی

به معنای زیاد - به پایان رساندن

Overall جامع - سراسر

Over critical damping میراثی فوق بحرانی

Overlapping sets مجموعه های متقاطع - مجموعه هایی که با یکدیگر عضو مشترک دارند.

Overspread گسترده - سراسری

Overthwart منعطف - عرضی - در عرض - بطور متقاطع

Owely برابری

قضیه پاپوس - دو مجموعه نقاط

$\{A_1, B_1, C_1\}$ و $\{A_2, B_2, C_2\}$ را به ترتیب روی

خطوط متقاطع K_1 و K_2 چنان در نظر می‌گیریم که

هیچیک از آنها در محل برخورد دو خط واقع نباشند.

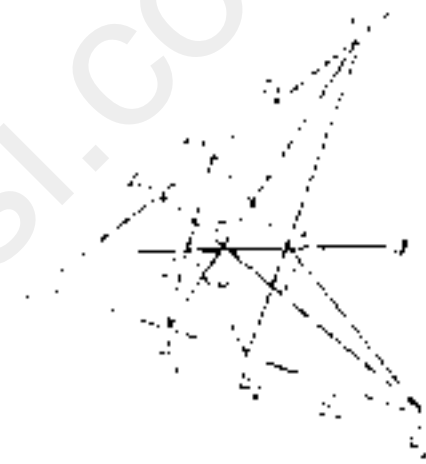
آنگاه نقاط

$$A = (B_1C_2 \cap B_2C_1)$$

$$B = (C_1A_2 \cap C_2A_1) \text{ و}$$

$$C = (A_1B_2 \cap A_2B_1) \text{ و}$$

سریک استقامت خواهند بود.



P

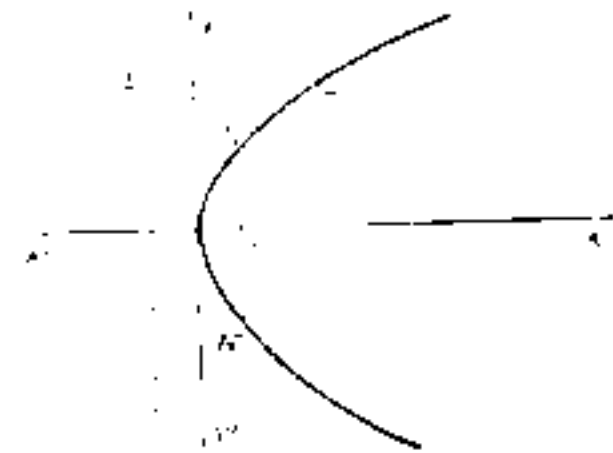
Par - معادل - برابری

Parable - مقایسه - تمثیل

Parabola - سهمی - مکان هندسی نقاطی

که عامله آنها از یک نقطه به نام کانون و خط

ثابتی به نام خط هادی برابر باشد.

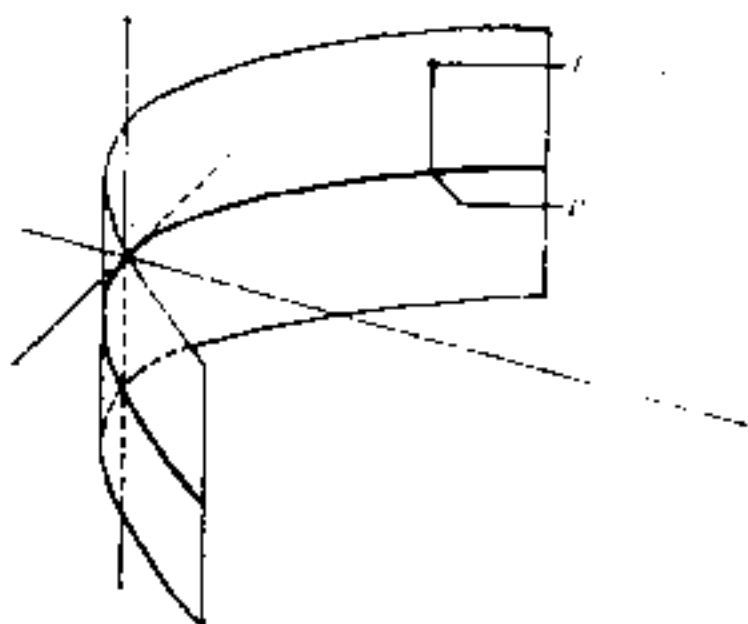


Parabolic - سهمی - نلجیمی نکل

Parabolically - بطور سهمی - بطور نلجیمی - تمثیلاً

P	حرف نهم الفبای انگلیسی
Pack	دسته - بسته کردن
Pad	خامه - ممبر
Page	صفحه (کتاب)
Pair	زوج - جفت - جفت کردن
Paired	جفت شده
Pairing	عمل جفت کردن
Pair off	جفت کردن - سریک کردن
Pairwise	جفت جفت - دویبدو
Pairwise disjoint	دویبدو جدا از هم
Pantograph	متاسه نگار
Pantometer	ابزاری برای اندازه‌گیری کلیه روایا
P_n - Approximation	تقریب P_n

Parabolic cylinder استوانه سهمی -
 سطح استوانه‌ای که مقطع قائم آن سهمی باشد.



Parabolic motion حرکت روی مسیر سهمی

Parabolic reflector آینه سهمی -
 آینه تلجمی

Parabolic spiral مارپیچ تلجمی - مسطحی
 نمایش معیارات تابع: $r = \alpha \theta^2$ در دستگاه مختصات قطبی

Parabolize سهمی یا سهمی کردن -
 بیان کردن

Paraboloidal مربوط به سهمی - سهمی نکل

Paraboloid of revolution سهمی دوار



Paradox پارادوکس - تناقض
 Paradoxial متناقض
 Paradoxical متناقض
 Paradoxical متناقض

Paradox of Russel تناقض راسل -
 فرض میکنیم p مجموعه کلمه، مجموعه‌هایی باشد که به خودشان متعلق نباشند، آنگاه اگر: $p \in p$ بنا به فرض نتیجه میشود $p \notin p$ و اگر: $p \notin p$ بنا به فرض نتیجه میشود $p \in p$

Paragraph پاراگراف - بند

Parallel موازی - موازی کردن

Parallel axes theorem قضیه محورها موازی -
 هرگاه گشتاورمانند جسم صلبی نسبت به محور ماربرگراسیگاه آن G باشد، آنگاه گشتاورمانند جسم مزبور نسبت به محوری موازی با محور مذکور برابر است با $I_G + Mk^2$ که در آن M جرم کل جسم و k فاصله دو محور از یکدیگر می‌باشد.

Parallel displacement تغییر مکان موازی



Parallelepiped متوازی السطوح

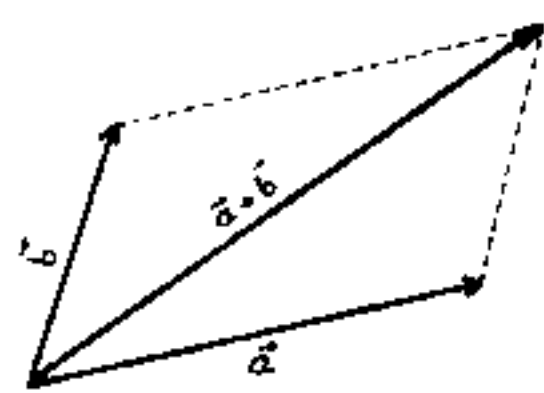
Parallelism سوازی

Parallelize موازی کردن

Parallel lines خطوط متوازی

Parallelogram متوازی الاضلاع

Parallelogram law قانون متوازی الاضلاع



Parallel planes صفحات موازی

Parallel surfaces سطوح موازی

Parallel vectors بردار متوازی

Paralogism فیما بین نادرست - استدلال غلط
 Parameter پارامتر
 Parametric پارامتری
 Parametric equation معادله پارامتری
 Parametric equations of a hyperbola معادلات پارامتری یک هذلولی
 $x = a \cosh t$
 $y = b \sinh t$
 Parametric interval فاصله پارامتری - بازه پارامتری
 Parametric representation نمایش پارامتری
 Parametric representation of a curve نمایش پارامتری یک منحنی
 Parametrization پرمایش
 Paramount برتر - بزرگتر
 Parenthesis پرانتز
 Parenthesize پرانتز گذاردن
 Parity زوجیت - توازن - تناوب - تساوی
 Parsec واحد اندازه گیری طول معادل ۳۰۶۲۶۵ برابر شعاع مدار زمین و یا ۳/۲۶ سال نوری و یا ۱۹/۲ تریلیون مایل
 Parseval's equality تساوی پارسوال - فرمول پارسوال
 Parseval's formula فرمول پارسوال - تساوی پارسوال

$$\sum_{n=-\infty}^{\infty} |c_n|^2 = \int_a^b |f(x)|^2 dx$$
 که در آن c_n ها ضرایب فوریه تابع $f(x)$ در فاصله $[a, b]$ می باشند.
 Parseval's identity اتحاد پارسوال - فرمول پارسوال - تساوی پارسوال
 Parseval's theorem قضیه پارسوال - اگر $F(\xi)$ تبدیل فوریه تابع $f(x)$ باشد، یعنی

$$F(\xi) = \frac{1}{\sqrt{2\pi}} \int_{-\infty}^{\infty} f(x) e^{i\xi x} dx$$
 باشد آنگاه

$$\int_{-\infty}^{\infty} |F(\xi)|^2 d\xi = \int_{-\infty}^{\infty} |f(x)|^2 dx$$

 Part قسمت - بخش - جزء

Parted تقسیم شده - مجزا
 Partial نسبی - جزئی - پاره ای
 Partial derivative مشتق جزئی - مشتق پاره ای
 مشتق نسبی
 Partial derivative symbol علامت مشتق جزئی - علامت "∂"
 Partial derivation with respect to..... مشتق گیری جزئی نسبت به.....
 Partial differential دیفرانسیل پاره ای - دیفرانسیل جزئی
 Partial differential coefficients ضرایب دیفرانسیل پاره ای - مشتقات پاره ای
 Partial differential equation معادله دیفرانسیل پاره ای - معادله دیفرانسیل جزئی
 مشتقات جزئی با مشتقات جزئی
 Partial differentiation مشتق گیری پاره ای - مشتق گیری نسبی
 مشتق گیری نسبی
 Partial fractions کسره های جزئی : کسره های بصورت
 I. $\frac{A}{(x-a)^n}$ (n عددی است طبیعی)
 یا
 II. $\frac{Mx+N}{(x^2+px+q)^n}$ (n عددی است طبیعی)
 مشروط به آنکه عبارت x^2+px+q به عوامل خطی حقیقی تجزیه نشود.
 Partial fraction decomposition تجزیه به کسره های جزئی
 Partial integral انتگرال نسبی - انتگرال جزئی
 Partially جزئی - جزئاً
 Partially ordered set مجموعه مرتب جزئی - مجموعه مرتب به ترتیب جزئی
 Partial order ترتیب جزئی
 Partial ordering relation رابطه ترتیب جزئی - نسبت ترتیبی جزئی
 Partial product حاصل ضرب جزئی

Partial sum مجموع جزئی

Partial summation formula دستور جمع‌بندی جزئی

Partibility قابلیت تفکیک - بخش‌پذیری

Partible بخش‌پذیر - قابل تفکیک

Particle نقطه مادی - ذره

Particular خاص - خصوصی - ویژه - جزئی

Particularity جزئیات - خصوصیات برجسته

particularization ذکر جزئیات

Particular solution جواب خصوصی -

جواب ویژه - حل ویژه - حل خصوصی

Parting تقسیم - جداسازی - تفکیک

Partition اقرار - پارش - پارسیسیون

Partition of an interval پارسیسیون یک فاصله - پارش یک فاصله -

اقرار یک فاصله -

مجموعه نقاط

$$P = \{x_0, x_1, \dots, x_n\}$$

رایک پارسیسیون برای فاصله منهای $[a, b]$

گزیدهرگاه:

$$a = x_0 < x_1 < \dots < x_n = b$$

Partition of a set اقرار یک مجموعه -

مجموعه p از زیرمجموعه‌های غیرتهی S

رایک اقرار S کویندهرگاه این خواص در

مورد آن برقرار باشد:

۱- مقطع هر دو عضو مسا برار \emptyset بهی باشد.

۲- هر عنصر S متعلق به یکی از اعضای p باشد.

Partitive جداکننده - قسمی

Pascal's theorem قضیه پاسکال - اگر نسی

نقطه واقع بر یک مقطع مخروطی را بعنوان رئوس

یک نسی صلی در نظر بگیریم آنگاه نقاط نقاط

اصلا هم‌مقابل آن بر یک استقامتند.



pascal's triangle مثلث پاسکال (خیام)

			1			
		1	2	1		
	1	3	3	1		
	1	4	6	4	1	
1	5	10	10	5	1	

pass گذر - عبور کردن

Passage معبر - گذرگاه

Pass-band ناحیه عبور

Pass through از میان ... گذر

Path مسیر - گذر - گذار

Path curves منحنی‌های مسیر

Pattern طرح - الگو

Patternmaker الگو ساز

Peak قله - حداکثر - رأس

Peaked دارای قله - نوک‌سبز

Peano's five axioms پنج اصل بیانو -

اصول موضوعه بیانو در باره اعداد طبیعی

Peculiar مستقل - خاص - ویژه - عجیب

Peculiarity کیفیت عجیب و غریب بودن - حالت

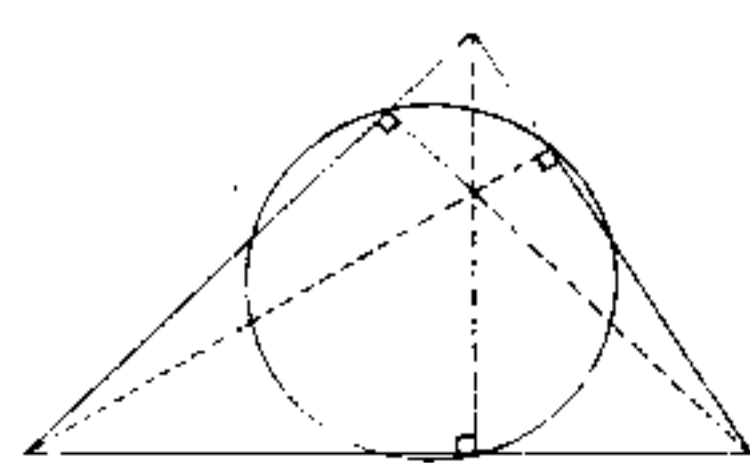
ویژگی - غرابت

Peculiarly افعرادا - بطور خاص - بطور مجزا -

بطور مستقل - غیر معمول

Pedal پدال - رکاب - جایانی - پاشی

Pedal circle دایره پاشی - دایره محیطی مثلث پاشی



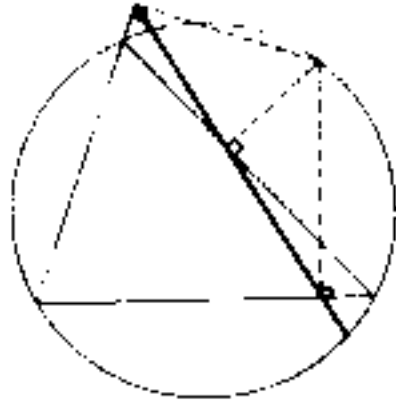
Pedal curve منحنی پاشی - اگر c یک منحنی و

O یک نقطه ثابت باشد، مکان هندسی پهای عمودهایی

که از O بر مماسهای مختلف منحنی c رسم می‌توند

منحنی پاشی منحنی c نامیده می‌تود.

Pedal line - خط یائی - خط راست ماربرسه پای عمودهای وارده بر اضلاع مثلثی دلخواه از یک نقطه دایره محیطی آن .



Pedal triangle - مثلث یائی - مثلثی که از بهم وصل کردن پای ارتفاعات یک مثلث بدست میاید همتا - جفت - قرین - برابر بودن با Peer برابر کردن - هم درجه کردن

Pell's equation - معادله پل -

$x^2 - dy^2 = 1$ معادله بیاله

را که در آن محدودرکامل نیست معادله پل گویند.

Pencil - دسته - دسه

Pencil of circles - دسته دوایر - مجموعه کلیه دوایر واقع در یک صفحه که از دو نقطه بخصوص می گذرند. خط شامل دو نقطه مزبور را محور اصلی دوایری نامند.

Pencil of lines - دسته خطوط - انچه خطوط مجموعه تمام خطوط ماربریک نقطه ثابت

Pencil of lines through a point - دسته خطوط گذرنده از یک نقطه - انچه خطوط

Pencil of parallel lines - دسته خطوط موازی مجموعه تمام خطوط موازی با یک امتداد ثابت

Pencil of plane algebraic curves - دسته منحنیهای جبری مسطحه (ماربریک نقطه ثابت)

Pencil of planes - دسته صفحات - مجموعه تمام صفحات ماربریک خط

Pencil of spheres - دسته کرات - مجموعه کلیه کرات ماربردایره ای ثابت. صفحه شامل دایره مزبور را صفحه اصلی دسته کرات نامند.

Pendant - آویخته - لنگه - نامعلوم - قرین

Pendant to each other - بریده یکدیگر

Pendulum - با ندول - آونگ

Pendulum property of a cycloid - خاصیت آونگی سیلکونید

Pent- پنج - پیشوندی بمعنای پنج

Penta - پنج - پیشوندی بمعنای پنج

Pentad - دسه - پنج تائی - مدت پنج روزه - یک عصر - انم یا بسیار پنج طرفیتی

Pentadecagon - پانزده ضلعی

Pentagon - پنج ضلعی

Pentagonal - پنج ضلعی - پنج گوش

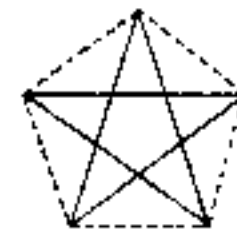
Pentagonal number - عدد مخمی

Pentagram - ستاره پنج پر

Pentagram of pythagoras - ستاره پنج پر

میثاغورت - ستاره حاصل ارتفاع اقطار

یک پنج ضلعی منتظم



Pentahedral - پنج وجهی - پنج رویه

Pentahedron - جسم پنج وجهی

Pentangle - ستاره پنج پر حاصل ارتفاع اضلاع یک پنج ضلعی منتظم



Pentangular - پنج ضلعی

Penult - ماقبل آخر - قبل از آخر

Per - برای هر - در هر - از طریق - در جهت

Perambulate - پیچیدن - گردش کردن - دور زدن

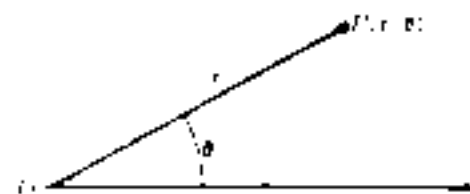
Perambulation - پیما یس - گردش

Per annum - سالانه

Percent	درصد	Periodic function of a complex variable	تابع تناوبی با متغیر مختلط
Percentage	درصد - پورسانتاز	Periodic function of a real variable	تابع تناوبی با متغیر حقیقی
Percentage error	خطای درصدی	Periodicity	تناوب - دوره
Percent of error	درصد خطا	Periodic motion	حرکت متناوب
Percentage point	نقطه درصدی	Period in arithmetic	تناوب در حساب
Percentile	صدک	Period in astronomy	زمان لازم برای یک مدارگردش
perfect	کامل - تمام	Period interval	فاصله تناوب - بازه تناوب
perfect cube	مکعب کامل	Period of a function	دوره تناوب یک تابع
Perfectly	کاملاً تماماً	Period of oscillation	دوره تناوب نوسان - مدت زمان لازم برای یک نوسان کامل
Perfect number	عدد کامل - عدد تمام - عدد صحیح و مثبت a را که a نامیم هرگاه مجموع مضوم علیه های آن برابر a باشد.	Peripheral	محیطی - پیرامونی - جنبی
Perfect power	توان کامل - قوه کامل	Peripheral speed	سرعت دستگاه جنبی
perfect square	مجدور کامل - مربع کامل	Peripheric	محیطی - پیرامونی - جنبی
Perform	انجام دادن - اجرا کردن - نمایش دادن	Periphery	محیط - پیرامون
Pericycloid	نوعی هیپوسیکلوئید	Periphery of a circle	محیط یک دایره
Perigee	حقیض	Permanence	دوام
Perigon	یک دوران کامل - دوران 360° یا 2π رادیان	Permanent	دائمی - ثابت - پایدار
Perihelion	سمت الشمس - نزدیکترین نقطه مدار سیارات یا اجسام سماوی (که حول خورشید دوران می کنند) از خورشید	Permanently	بطور ثابت - بطور پایدار - دائماً
Perimeter	محیط - پیرامون	Permit	اجازه دادن - مجاز کردن
perimeter of a polygon	محیط چندضلعی - مجموع طول اضلاع یک چندضلعی	Permittivity	ثابت دی الکتریک
Period	دور تناوب - تناوب - دوره	Permutation	تبدیل - جایگشت - جایجاشی
Periodic	متناوب - دوره ای - تناوبی	Permutation group	گروه جایگشتی
Periodical	متناوب - تناوبی	Permutation with repetition	جایگشت با تکرار
periodically	متناوباً	Permute	جایجا کردن - تغییر ترتیب دادن - پس و پیش کردن
periodic behaviour	رفتار تناوبی	Perpendicular	متعامد - عمودی - خط عمود
Periodic constant	ثابت متناوب	Perpendicular bisector	عمود منصف
Periodic continued fraction	کسر مسلسل متناوب	Perpendicularity	تعامد
Periodic curve	منحنی متناوب	Perpendicular line	خط عمود - خط قائم
Periodic decimal	عدد اعشاری متناوب	Perpendicular plane	صفحه عمود - صفحه قائم
Periodic decimal fraction	کسرها اعشاری متناوب	Perpendicularly	عموداً - بطور عمود
Periodic fraction	کسر متناوب	Perpetual	همیشگی - دائمی - ابدی
Periodic function	تابع متناوب	Perpetual calendar	سفریم ابدی
		Persistent	پابرجا

Perspective	پرسپکتیو	Piecewise smooth path	مسیر قطعه به قطعه هموار
Perturbation	آشفتنگی - اختلال	Pigeonhole principal	اصل لانه کبوتر - اصل دیبریکله - فرض میکنیم \mathbb{N} عددی طبیعی و A مجموعه‌ای نامتناهی با مجموعه‌ای متناهی و دارای بیش از \mathbb{N} عضو باشد آنگاه اگر اعضای A را بین \mathbb{N} مجموعه تقسیم کنیم یکی از این مجموعه‌ها مشتمل بر حداقل دو عضو از اعضای A خواهد بود.
Phase	فاز - حالت	Pint	واحد حجم معادل یک هشتم گالن
Phase angle	زاویه فاز - اختلاف فاز	Pitch	گام
Phase of a complex number	آرگومان یک عدد مختلط - در عدد مختلط $r(\cos\theta + i\sin\theta)$ زاویه θ را آرگومان مینامند.	Pitch of screw	پای پیچ - گام پیچ
Phase plate	صفحه تغییر فاز - صفحه‌ای شفاف متشکل از ماده‌ای با شکست مضا عک که فاز نسبی موج‌های یک نور قطبی شده را تغییر می‌دهد.	Pivot	محور - مدار - نقطه اتکا - چرخیدن چرخاندن - روی پاشنه چرخیدن
Phenomen	پدیده - رخ داد	Pivotal	مدار - محور - محوری - مداری
Phenomenon	پدیده - رخداد	Place	جا - محل - موضع
Phosphorescence	شبتابی	Place holder	جایبان - نمادی در یک گزاره یا عبارت که بجای آن می‌توان اسامی یا مقادیر مختلفی را نوشت.
Photoelectricity	فناوالکتريسيته - الكتريسيته نوري	Place value	ارزش مکانی
Photoluminescence	پرتوافشانی بر اثر تحریک نوری مرئی یا ناورئی	Plain	پهن - سطح - هموار - ساده
Physics	علم فیزیک	Pian	برنامه - طرح - نقشه
Pi	π - پی - عددی - نسبت محیط دایره به قطر آن که تقریباً " معادل $3/1415926$ میباشد.	Planar	سطح - واقع بر یک صفحه
Picard's method	روش پیکارد - روش تکراری برای حل معادلات دیفرانسیل	Planar point of a surface	نقطه سطح یک سطح
Pico	پیشوندی بمعنی 10^{-12}	Plane	ماف - سطح - صفحه - سطح تراز
Pictorial	تصویری - مصور	Plane angle	زاویه سطح - فرجه
Pictorially	بطور تصویری	Plane coordinates	مختصات سطح - مختصات مستوی
Picture	تصویر	Plane curve	منحنی سطح
Piecewise	قطعه به قطعه	Plane figures	اشکال مسطحه - اشکال مستوی
Piecewise constant	قطعه به قطعه ثابت	Plane geometry	هندسه سطح
Piecewise continuous function	تابع قطعه به قطعه پیوسته	Plane number	عدد سطح
Piecewise differentiable	قطعه به قطعه مشتق پذیر	Plane of symmetry	صفحه تقارن
Piecewise linear	قطعه به قطعه خطی	Plane region	ناحیه سطح
Piecewise linear function	تابع قطعه به قطعه خطی	Plane surface	سطح مستوی
Piecewise monotone	قطعه به قطعه یکنواخت	Planet	سیاره
Piecewise smooth	قطعه به قطعه هموار	Planetary	نجومی - سیاره‌ای - سیاره وار
Piecewise smooth curve	منحنی قطعه به قطعه هموار	Planetary motion	حرکت نجومی
		Planetoid	جرم سماوی

Planetology	سیاره‌شناسی	Point of discontinuity of a function	نقطه انفصال یک تابع - نقطه‌ای که در آن تابع پیوسته نباشد
Plane trigonometry	مثلثات مسطحه	Point of inflection	نقطه عطف
Plane wave	موج تخت	Point of intersection	نقطه تقاطع - نقطه تلاقی
Planimeter	مساحت‌سج - سطح‌پیما - بهمه سج	Point of tangency	نقطه تماس
Planimetry	اندازه‌گیری سطوح	Point of view	دیدگاه - نقطه نظر
Planish	صاف و محکم کردن	Point set topology	توپولوژی مجموعه‌های نقطه‌ای
Plate	صفحه - ورقه - لوح - روکش کردن - منوری کردن	Point space	فضای نقطه‌ای
Platonic solids	اجسام افلاطونی	Pointwise convergence	همگرایی نقطه‌ای - همگرایی نقطه به نقطه
Plausible	باورکردنی - پذیرفتنی - محتمل	Pointwise convergent	همگرایی نقطه‌ای - همگرایی نقطه به نقطه
Play	بازی - باری کردن	Pointwise convergent sequence	دنباله همگرایی نقطه‌ای - دنباله همگرایی نقطه به نقطه
Plot	نقشه - طرح - موقعیت - نقطه - نقطه - نقشه کشیدن - طرح ریزی کردن	Poise	توازن - ثبات - آونگ یا وزنه - ساعت
Plotter	رسم	Poisson distribution	توزیع پواسن - توزیع
Plotting	ترسیم	$P(x) = e^{-a} \frac{a^x}{x!}$	که e میانگین این توزیع می باشد.
Plotting a curve	رسم یک منحنی	Poisson's integral formulas	روابط انتگرال پواسن
Plumb	شاقول - عمودی - بطور عمودی	Polar	قطبی
Plural	جمع	Polar angle	زاویه قطبی
Plus	به اضافه - بعلاوه	Polar coordinates	مختصات قطبی
Plus infinity	بینهایت مثبت	Polar equation	معادله قطبی
Plus sign	علامت جمع (+)		
Poincare-Birkoff fixed point theorem	قضیه نقطه ثابت پوانکاره - بیرکوف		
Point	نقطه - نوک - رأس - نقطه - نکته - هدف - قله - پوان - پایان		
Point at infinity	نقطه دربی نهایت - نقطه واقع دربی نهایت		
Point-by-point plotting of a curve	رسم نقطه به نقطه یک منحنی		
Point-by-point plotting of a function	رسم نقطه به نقطه یک تابع		
Point d'appui	نقطه اتکا - پایه - فونداسیون		
Point of contact	نقطه تماس - نقطه اتصال		
Point of application	نقطه اثر		
Point of departure	نقطه آغاز		
Point of discontinuity	نقطه ناپیوستگی - نقطه انفصال		



Polar form of a complex number	صورت قطبی یک عدد مختلط
Polarizability	قابلیت قطبی شدن
Polarization	عمل قطبی کردن
Polarized	قطبی شده
Polar line	خط قطبی
Polar plane	صفحه قطبی
Polar tangent	مماس قطبی
Polar tangent plane	صفحه مماس قطبی
Polar transformation	تبدیل قطبی
Polar triangle	مثلث قطبی - مثلث کروی که رئوس آن قطبهای اضلاع یک مثلث کروی دیگر هستند.
Pole	قطب - نیرو - پل
Pole of a complex function	قطب ناسع مختلط - هرگاه عدد طبیعی n موجود باشد بطوریکه $\lim_{z \rightarrow z_0} (z - z_0)^n f(z) = A \neq 0$
	n نگاه z را قطبی از مرتبه n برای تابع f گویند.
Pole of coordinate system	قطب دستگاه مختصات
Pole of stereographic projection	قطب تصویر استریوگرافیک - قطب تصویر برجسته
Poly	پیشوندی بمعنی " چند "
Polygon	چندضلعی - کثیرالاضلاع
Polygonal	چندضلعی شکل
Polygonal arc	کمان چندضلعی شکل
Polygonal curve	منحنی چندضلعی شکل
Polygonally	بطور چندضلعی
Polygonally connected	مرتبط چندضلعی
Polygonal numbers	اعداد چندضلعی
Polygonal path	مسیر چندضلعی
Polygon of forces	چندضلعی نیروها
Polygram	شکل چندضلعی
Polyhedral	چندوجهی - مربوط به چندوجهی
Polyhedral angle	کنج
Polyhedralic	چندوجهی - مربوط به چندوجهی
Polyhedron	چندوجهی
Polymorphic	چندشکل - چندصورت

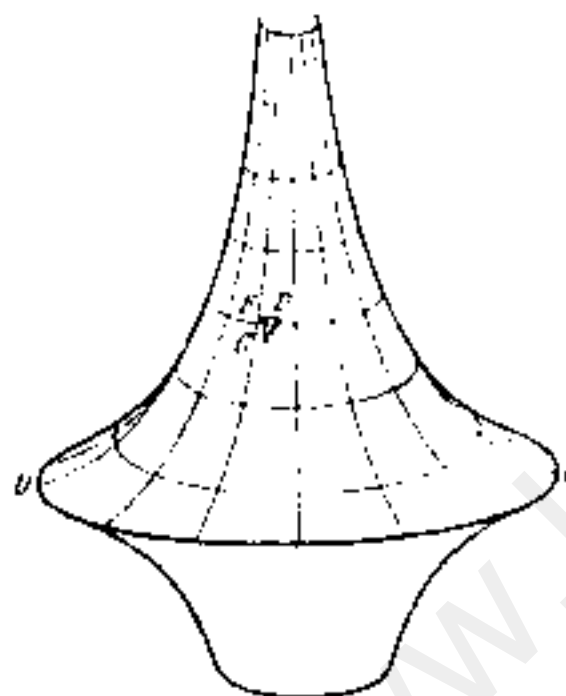
Polynomial	کثیرالجمله - چندجمله‌ای
Polynomial equation	معادله چندجمله‌ای
Polynomial expression	عبارت چندجمله‌ای
Polynomial function	تابع چندجمله‌ای
Polynomial inequality	نامساوی چندجمله‌ای
Polynomial in n variables	چندجمله‌ای n متغیره
Pons asinorum	پل حمار - قضیه پنج‌گانه کتاب اول اقلیدس: در هر مثلث مساوی الساقین زوایای متقابل به دوسای با هم برابرند.
Poor decision	تصمیم سست
Posit	فرار دادن - ثابت کردن - فرض کردن - فرض
Position	وضعیت - موقعیت
Position vector	بردار وضعیت - بردار مکان
Positive	مثبت
Positive definite form	فرم معین مثبت
Positive definite matrix	ماتریس معین مثبت
Positive definite quadratics	عبارات مجذوری معین مثبت
Positive error	خطای مثبت
Positive integer power function	تابع توانی با توان صحیح مثبت
Positive integers	اعداد صحیح مثبت
Positively	مثبتاً - بطور مثبت
Positively oriented path	مسیر با جهت مثبت
Positiveness	کیفیت مثبت بودن
Positive number	عدد مثبت
Positive part	جزء مثبت - قسمت مثبت
Positive part of a function	جزء مثبت یک تابع
Positive quantity	کمیت مثبت
Positive semidefinite	نیم معین مثبت
Positive semidefinite matrix	ماتریس نیمه معین مثبت
Positive variation	تغییر مثبت
Possess	متصرف بودن - دارا بودن
Possession	داشتن - دارا شدن - متصرف شدن
Possessor	تصرف - مالکیت - دارائی - ثروت
Possibility	دارا - متصرف - مالک
	امکان - احتمال

Possible	شدنی - ممکن - میسر - مقدور - امکان پذیر	Precondition	پیش شرط - پیش نیاز - قبلاً شرط کردن
Possible error	خطای ممکن	Predecessor	اسبق - سابق - قبلی
Possible outcome	نتیجه ممکن	Predicate	محمول - منند - استناد کردن - اعلام کردن
Posterior	عقبی - پس - خلفی - عقب تر - دیرتر - بعد از	Predicate calculus	حساب محمولات
Postulate	اصل موضوع - قیاس منطقی	Predication	اعلام
Postulates of Euclid	اصول موضوعه اقلیدس	Predict	پیش گوئی کردن
Postulatum	اصل موضوع	Prediction	پیشگوئی
Potency	توان - قدرت - توانائی	Preface	پیشگفتار - مقدمه
Potential	پتانسیل - عامل بالقوه - عامل بالفعل - ذخیره ای - نهانی	Prefix	پیشوند
Population	جمعیت	Preimagine	از پیش تصور کردن - پیش انگاشتن
Portion	بخش - قسمت - جز	Preliminaries	مقدمات
Power	توان - قوه - نما - قوت	Premise	مفروضی و کبری قیاس - فرض مقدم
Powerful	توانا - نیرومند	Premiss	فرض مقدم - مقدمه
Power function	تابع توانی	Prerequisite	پیشنیاز
Power of a point	قوت نقطه	Preserve	نگهداشتن - حفظ کردن
Power of the continuum	قوت متعلقه	Pressure	فشار
Power series	سلسله توانی - سری توانی	Presuppose	پیش فرض - از پیش فرض کردن
Power series expansion of a function	بسط یک تابع بصورت سری توانی - بسط یک تابع به سری توانی	Previous	پیشین - قبلی
Power set	مجموعه توانی - مجموعه کلیه زیر مجموعه های یک مجموعه	Prevision	پیش بینی
Power series expansion of a		Primal	ابتدائی - اساسی - اولیه
Polynomial in two variables	بسط توانی یک چندجمله ای دو متغیره	Primary	اولیه - ابتدائی
Practical	عملی	Prime	اول - عدد اول
Practice	تمرین	Prime divisor	مقسوم علیه اول
Precede	مقدم بودن	Prime factor	فاکتور اول - عامل اول
Preceding	پیشین - قبلی	Primeness	اولیت - کیفیت اول بودن
Precession	تقدم - سبقت - انحراف مسیر	Prime number	عدد اول - عددی که جز بر یک و خودش بر عدد دیگری قابل قسمت نباشد
Precipitation	تسریع - تعجیل	Prime polynomial	چندجمله ای اول - چندجمله ایی که جز خودش و یک فاکتوری ندارد
Precise	دقیق	Primeter	محیط
Precisely	دقیقاً - صریحاً - جامعاً	Primitive	اولیه - ابتدائی
Precision	دقت - صراحت - درستی	Primitive polynomials	چندجمله ایهای اولیه
Precision factor	ضریب دقت	Primitive principle	اصل اولیه
		Principal	اصلی - عمده
		Principal Axis	محور اصلی
		Principal normal	قائم اصلی
		Principal part	قسمت اصلی

Principal part	جزء اصلی - بخش اصلی	Prism	منشور
Principal parts of a Triangle	اجزاء اصلی مثلث	Prismatic surface	سطح منشوری
Principal diagonal of a Matrix	قطر اصلی ماتریس	Prismatoid	پریسما نوئید - نوعی چندوجهی که تمام رئوس آن در دو صفحه موازی قرار داشته باشند.
Principal period	دوره تناوب اصلی - پریود اصلی	Prismoid	منشوروار - نوعی چندوجهی که دو وجه ضلعی موازی قواعد فوقانی و تحتانی آنرا تشکیل می‌دهند و وجوه جانبی آن مثلث و یا دوزنقه میباشند.
Principal planes of a quadric surface	صفحات اصلی یک سطح درجه دوم	Probabilistic	محتمل
Principal remainder	باقیمانده اصلی	Probability	احتمال
Principal root of a number	ریشه اصلی یک عدد	Probability curve	منحنی احتمال
Principal sections	مقاطع اصلی	Probability density function	تابع چگالی احتمال
Principal square root	ریشه دوم اصلی - جذر اصلی	Probability distribution	پخش احتمال - توزیع احتمال
Principal unit normal	قائم یکه اصلی	Probability generating function	تابع مولد احتمال
Principal value	مقدار اصلی	Probability triangle	مثلث احتمال
Principal value of an integral	مقدار اصلی یک انتگرال	Probability vector	برداری احتمال
Principal value of argument	مقدار اصلی آرگومان	Probable	محتمل
Principal value of logarithm	مقدار اصلی لگاریتم	Probe	جستجو - کاوش - جستجو کردن
Principle	اصل - قاعده کلی	Problem	مسئله - مشکل
Principle of counting	اصل شمارش	Problem set	مجموعه مسائل
Principle of detailed balance	اصل تعادل جز به جز	Procedure	طرز عمل - شیوه - روش - آیین
Principle of duality	اصل دوگانگی	Proceed	پیش رفتن - حاصل شدن - اقدام کردن
Principle of duality in a spherical triangle	اصل دوگانگی در مثلث کروی	Proceeding	اقدام - جریان - عمل
Principle of deformation	اصل تغییر شکل	Process	روند - فرآیند - طرز عمل - پروسه
Principle of extension	اصل گسترش	Produce	تولید کردن
Principle of generalization	اصل تعمیم	Produce a line	امتداد دادن یک خط
Principle of induction	اصل استقرا	Product	حاصل ضرب - ضرب - محصول - فرآورده
Principle of mathematical induction	اصل استقرا ریاضی	Product formulas	روابط حاصل ضرب
Prior	قبلی - پیشین - اولیه	Product function	تابع تولید - رابطه
Prior deduction	استنتاج باقیاس قبلی		همین میزان تولید و عوامل تولید
Priority	تقدم	Production	تولید
Prior to	مقدم بر	Product notation	نماد ضرب
		Product of matrices	حاصل ضرب ماتریسها
		Product set	مجموعه حاصل ضرب
		Product sign	علامت ضرب
		Product of two mappings	ترکیب دو گسترش

Product of metric spaces	حاصلضرب فضاهاى متریک	Proof by contradiction	اثبات با استفاده از تناقض - برهان خلف
Product of topological spaces	حاصلضرب فضاهاى توپولوژیک	Proof by induction	اثبات استقرائى
Product of two roots	حاصلضرب دوریشه	Proof of accuracy	اثبات صحت
Product of two sequences	حاصلضرب دودنباله	Proof of existence	اثبات وجود
Product topology	توپولوژى حاصلضرب	Proof of uniqueness	اثبات یکتائى
Profile	نیمرخ - برش قائم - نمودار	Propagate	منتشر کردن - وسعت دادن
Profit	بهره - سود	Propagation	توسعه - تکثیر - افزایش
Profit function	تابع سود	Propagation of error	تکثیر خطا - تکرار خطا
Program	برنامه	Proper	ویژه - سره - خاص - صحیح - دقیق
Programming	برنامه ریزى	Proper divisor of zero	حقیقى - واقعى - درست
Progress	پیشرفت کردن - پیشرفت	Proper fraction	مقسوم علیه واقعى صفر
Progression	تتابع	Proper fraction	کسرواقعى - کسرویه - کسرى که صورت آن کوچکتر یا داراى درجه اى
Progressional	بطور تصاعدى		پاى تین تراز مخرج آن میباشد .
Progressive	تتابعى	Proper inclusion	جزئیت حقیقى - جزئیت واقعى - جزئیت ویژه
Progressively	بطور تصاعدى - بطور پیشرو	Properly divergent	بطور ویژه واگرا
Project	طرح - نقشه - تصویر کردن	Proper subset	زیر مجموعه سره - مجموعه حقیقى
Projectile	پرتابه - موشک		زیر مجموعه محض
Projecting	عمل تصویر کردن	Property	خاصیت - ویژگیى
Projecting plane of a line in space	صفحه تصویر یک خط در فضا	Propitious	مساعد
Projection	تصویر	Proportionable	متناسب
Projection plane	صفحه تصویر	Proportionably	بطور متناسب - متناسباً
Projective	تصویرى	Proportional	متناسب
Projective geometry	هندسه تصویرى	Proportionality	تناسب
Projective mapping	نگاشت تصویرى	Proportionality constant	ضریب تناسب
Projective plane	صفحه تصویرى	Proportional limit	حد الاستیمیت - حد تناسب
Projective space	فضای تصویرى	Proportional to	متناسب با
Projective transformation	تبدیل تصویرى	Proportionate	متناسب - درخور - متناسب کردن
Projector	مشور	Proportionately	به تناسب - بطور متناسب - متناسباً
Prolate	منبسط - کشیده شده	Proportionless	بى تناسب - بى تقارن
Prolate cycloid	سیکلوئید کشیده - مکان هندسى نقطه اى خارج از یک دایره که روی خط راستى مى غلظد .	Proportionment	متناسب سازی
Prolong	امتداد دادن	proposition	گزاره - قضیه
Prolong a line	امتداد دادن یک خط	Propositional calculus	حساب گزاره ها
Promissory note	سفته	Propositional formula	فرمول گزاره اى
Proof	اثبات - برهان		

Propositional function	تابع گزاره‌ای - تابع گزاره‌نما
Propositional variable	متغیر گزاره‌ای
Protract	طول دادن - دراز کردن - امتداد دادن کش دادن
Protraction	امتداد
Protractor	نقاله - زاویه سنج
Provable	ثابت شدنی - قابل اثبات
Prove	ثابت کردن
Provide	فراهم ساختن - تأمین کردن
Pseudo	پیشوندی بمعنی جعلی - بدلی - کاذب - شبه
Pseudoscience	شبه علم
Pseudosphere	کره کاذب - ساده‌ترین سطحی که دارای انحناى ثابت منفی است .



Pulvinate	محدب
Punch card	کارت منگنه
Punctured neighbourhood	همسایگی محذوف
Pure	محض - خالص
Pure geometry	هندسه محض
Pure imaginary	موهومی محض - مطلقاً " موهومی
Pure imaginary number	عدد موهومی محض
Pure recurrent fraction	کسر متناوب ساده
Pure mathematics	ریاضیات محض
Purpose	هدف - منظور
Pursuit problem	مسئله تعقیب
Pyramid	هرم

Pyamidal	هرمی
Pyramidal	هرمی
Pyramidically	بطور هرمی - هرم وار
Pyramid numbers	اعداد هرمی
Pythagorean	هینا غورثی - مربوط به هینا غورث
Pythagorean numbers	اعداد هینا غورثی - هرسه عدد صحیح و مثبت که در رابطه $x^2+y^2=z^2$ صدق میکنند .
Pythagoreans	هینا غورثیان - پیروان مکتب هینا غورث
Pythagoras' theorem	قضیه هینا غورث - در هر مثلث قائم الزاویه مربع وتر برابر مجموع مربعات دو ضلع دیگر است .
Pythagorean triangle	مثلث هینا غورث - هر مثلث قائم الزاویه که طول اضلاع آن با اعداد صحیح بیان شود .

Q

Q	هفدهمین حرف الفبای انگلیسی
Q.E.D.=Quod erat demonstrandum	وهوالمطلوب
Quad	چهارفلو - سیم چهارلا
Quadrangle	چهارگوش
Quadrangular	چهارگوش
Quadrangularly	به شکل چهارگوش
Quadrant	ربع - ربع دایره
Quadrantal	تربیبی - ربعی
Quadrantal angles	زوایای قائمه
Quadrant angle	زاویه قائمه
Quadrant of circle	ربع دایره
Quadrant of plane	ربع صفحه
Quadrate	مربعی - مربعی شکل
Quadratic	ازدرجه دوم - درجه دوم
Quadratic equation formula	فرمول معادله درجه دوم
Quadratic equation	معادله درجه دوم
Quadratic expression	عبارت درجه دو
Quadratic form	صورت درجه دوم - صورت مجذوری
Quadratic formula	فرمول حل معادله درجه دوم

Quadratic function	تابع درجه دوم
Quadratic inequality	نامساوی درجه دو
Quadratic nonresidue	غیرباقیمانده تربیبی
Quadratic polynomial	چندجمله ای درجه دوم
Quadratic reciprocity	تقابل مربعی
Quadratic reciprocity law	قانون تقابل مربعی
Quadratic residue	باقیمانده تربیبی
Quadratic surd	عدداصم مربعی
Quadrature of the circle	تربیع دایره - مسئله ترسیم مربعی که مساحت آن معادل مساحت یک دایره مفروض است و می توان ثابت کرد که این مسئله بوسیله خط کش و پرگار قابل حل نیست
Quadric	ازدرجه دوم - منحنی یا رویه درجه دوم
Quadric curve	منحنی درجه دوم
Quadric surface	رویه درجه دوم
Quadrilateral	چهارضلعی
Quadruple	چهاررثائی - چهار برابر - چهارگانه
Quadruplet	چهار برابر کردن
Quadruplicate	چهار رثائی - چهار نسخه ای
Quadruplication	چهار برابر - چهار برابر کردن
Quadruplication	عمل چهار برابر کردن
Quadruplicity	کیفیت چهار برابری
Qualification	تعریف - توصیف
Qualitative	کیفی
Quality	کیفیت
Quality control	کنترل کیفیت
Quant	پیمانه - کوانتم
Quantified	مستور
Quantified proposition	گزاره مستور
Quantifier	سور
Quantify	تعیین کمیت کردن
Quantitative	کمی - مقداری
Quantity	مقدار - کمیت - چندی
Quantum	پیمانه - کوانتم
Quantum mechanics	مکانیک کوانتمی
Quart	کوارت - پیمانه ای در حدود یک لیتر
Quarter	ربع - یک چهارم - چارک

Quartic	اردرجه، چهارم - چهارمین
Quartic curve	منحنی درجه، چهارم
Quartic equation	معادله درجه، چهارم
Quartic polynomial	جسد جمله‌ای درجه، چهارم
Quartile	چارک
Quasiordering	شبه‌ترتیب
Quaternary	چهارتایی - چهارعضوی - چهارواحدی
Quaternions	اعداد چهارتایی - مجموعه، چهارتایی هائی از اعداد حقیقی بصورت :
	$a_1 + a_2 \vec{i} + a_3 \vec{j} + a_4 \vec{k}$
	که با جمع عضویه عضو ضرب با فا عده :
	$\vec{i}^2 = \vec{j}^2 = \vec{k}^2 = -1$
	$\vec{i}\vec{j} = -\vec{j}\vec{i} = \vec{k}$
	$\vec{j}\vec{k} = -\vec{k}\vec{j} = \vec{i}$
	$\vec{k}\vec{i} = -\vec{i}\vec{k} = \vec{j}$
	تکمیل یک هینت عیرجا بجائی می دهد .
Queue	صف - صف کشیدن
Queuing theory	نظری صف - نظریه، صف
Quinary	پنجه، پنج - پنج تایی - از مرتبه، پنج دستگاه شمار در مبنای پنج
Quindecagon	پانزده ضلعی
Quindecillion	در آمریکا 10^{48} و در انگلیس 10^{45}
Quinque-	پنجه، پنج - پنجه، پنج - پنجه، پنج
Quintic	اردرجه، پنج - از مرتبه، پنج
Quintic curve	منحنی درجه، پنج
Quintic equation	معادله، درجه، پنج
Quintillion	در آمریکا 10^{18} و در انگلیس 10^{15}
Quintuple	پنج تایی - پنج برابر - پنج برابر شدن - پنج برابر کردن
Quintuplet	پنج تایی
Quoin	راویه - گوشه
Quotient	خارج قسمت - نسبت
Quotient ring	حلقه، خارج قسمت
Quotient set	مجموعه، خارج قسمت
Quotient space	فضای خارج قسمت
Quotient topological space	فضای توپولوژیک خارج قسمت
Quotient topology	توپولوژی خارج قسمت

R

R	هجدهمین حرف الفبای انگلیسی - علامت مجموعه اعداد حقیقی
Radial	شعاعی
Radial acceleration	شتاب شعاعی
Radial component	مؤلفه شعاعی
Radial distance	فاصله شعاعی
Radially	بطور شعاعی - شعاعوار
Radian	رادیان - زاویه معادل به فوسی اردایره
	برای رسیاع همان دایره - واحد اندازه گیری زاویه
	معادل $57/29$ درجه
Radian measure	سنج رادیان - اندازه گیری با واحد رادیان
Radiate	تشمع کردن
Radiation	تشمع
Radical	رادیکال - ریشه
Radical axis	محور اصلی
Radical axis of two circles	محور اصلی دودایره
	- مکان هندسی نقاطی از صفحه دودایره که قوت آنها نسبت به دودایره یکسان است .
Radical center	مرکز اصلی - نقطه ای از صفحه به دایره که قوتش نسبت به آنها یکسان است .

Radical expression	عبارت رادیکالی - عبارت شامل ریشه گیری
Radical plane	صفحه اصلی
Radical plane of two spheres	صفحه اصلی دو کره
Radical sign	رادیکال - علامت $\sqrt{\quad}$ - علامت ریشه گیری
Radicand	مقدار زیر رادیکال
Radii	اشعه - شعاعها
Radioactive	رادیواکتیو - پرتوافشان - تابش دار
Radioactive decay	تجزیه رادیواکتیو
Radioluminescence	پرتوافشایی رادیواکتیو
Radius	شعاع
Radius of a circle	شعاع دایره
Radius of a sphere	شعاع کره
Radius of convergence	شعاع تقارب - شعاع همگرایی
Radius of convergence of a power series	شعاع همگرایی سری توانی
Radius of curvature	شعاع انحنا
Radius of gyration	شعاع چرخش - شعاع گردش
Radius of torsion	شعاع پیچش - معکوس میزان پیچش یک منحنی فضائی
Radius of torsion of a space curve	شعاع پیچش یک منحنی فضائی
Radius vector	شعاع حامل
Radix	مبنای شمارش
Radix point	ممیز
Raise	بالا بردن - ترمیم
Raising a number to a power	عددی را بتوان رساندن رساندن
Random	نمادفی
Random aspects	جیبیه های نمادفی
Randomize	نمادفی کردن - سختی کردن
Randomized	نمادفی
Randomly	بطور نمادفی
Random manner	روش نمادفی
Random sampling	نمونه برداری نمادفی - سمونده گیری نمادفی
Random walk	گام برداری نمادفی

Range	دامنه - حوزه - برد - محدوده	Ratio of similitude	نسبت مشابه
Range finder	مقاصت یاب	Ratio test	آزمون نسبت
Range of a function	بردبیک تابع	Ray	سم خط - شعاع
Range of a mapping	بردبیک نگاشت	Reaction	واکنش - عکس العمل
Range of a relation	بردبیک رابطه - بردبیک نسبت	Reactive	واکنشی - عکس العملی - افعالی
Range of a variable	بردبیک متغیر	Real	حقیقی
Range of points	مجموعه‌ای از نقاط روی خط راست	Real analysis	آنالیز حقیقی
Range of variation	دامنه، تغییرات	Real axis	محور حقیقی
Rank	رتبه	Real exponent	توان حقیقی - توان حقیقی
Rapid	سریع - تند	Real exponential function	تابع نمایی حقیقی
Rare	نادر	Real function	تابع حقیقی
Rate	نسبت - نرخ - میزان	Realistic	واقع گرایانه
Rate of change	نسبت تغییر - میزان تغییر	Real line	خط حقیقی
Rate of growth	نسبت رشد - میزان رشد	Real number axis	محور اعداد حقیقی
Ratio	نسبت	Real numbers	اعداد حقیقی
Ratiocinate	استدلال کردن	Real number system	دستگاه اعداد حقیقی
Ratiocinative	استدلالی	Real part	جزء حقیقی
Rational	گویا - منطقی	Real part of a complex number	جزء حقیقی یک عدد مختلط
Rational algebraic fraction	کسر جبری گویا	Real power series	سلسله توانی حقیقی
Rational expression	عبارت گویا	Real roots	ریشه‌های حقیقی
Rational fraction	کسر گویا - کسر منطقی	Real-valued	با مقدار حقیقی
Rational function	تابع گویا - تابع منطقی	Real-valued function	تابع حقیقی
Rational integral function	تابع صحیح منطقی	Real-valued function of a real variable	تابع حقیقی از یک متغیر حقیقی
Rationalization	عمل گویا کردن - عمل آرریر رادیکال در آوردن	Real-valued sequence	دنباله حقیقی - رتبه حقیقی
Rationalize	گویا کردن	Real variable	متغیر حقیقی
Rationalizing a denominator	عمل گویا کردن مخرج	Rear	پشت
Rationalizing the denominator of a fraction	گویا کردن مخرج کسر	Rearrangement	تعمیر نظم - تجدید آرایش
Rational number	عدد گویا - عدد منطقی	Rearrangement theorem	قضیه تجدید آرایش
Rational operation	عمل گویا	Rearranging	تجدید آرایش
Rational part	قسمت گویا	Reason	دلیل - برهان
Rational point	نقطه گویا	Reasoning	استدلال
Rational root theorem	قضیه ریشه گویا	Recessive	مایل به پارگشت - ارسعاعی - پارگشتی - پس رفتی
Rational sequence	دنباله گویا - رتبه گویا	Reciprocal	مقابل - معکوس
Ratio of homothety	نسبت نحاس	Reciprocal element	عمر معکوس
Ratio of proportionality	نسبت تناسب		

Reciprocal equation	معادله معکوسه	Rectify	راست کردن - یکسو کردن
	معادله $p(x)=0$ را معکوسه خوانند در صورتی که	Rectifying plane	صفحه راست کننده
	بارها هر ریشه آن باشد α ، $\frac{1}{\alpha}$ نیز ریشه آن	Rectilinear	مستقیم الخط
	با همان تکرار یابد.	Rectilinear	مستقیم الخط
Reciprocally	بطور معکوس	Rectilinear generators	مولدهای مستقیم الخط
Reciprocal of a fraction	عکس یک کسر - معکوس	Rectilinear motion	حرکت مستقیم الخط
	یک کسر	Recur	تکرار شدن - بازگشت دادن - بازگشت
Reciprocal of a number	عکس یک عدد - معکوس	Recurrence	تراجع - بازگشت
	یک عدد	Recurrence decimals	اعشار منناوب
Reciprocal relation	رابطه معکوس	Recurrence formula	دستور برگشتی - دستور
Reciprocity	تقابل		سراجی
Reciprocity law	قانون تقابل	Recurrence relation	رابطه برگشتی - رابطه
Reckon	شمردن - محاسبه کردن - تخمین زدن		سراجی
Reckoning	محاسبه - محاسبه حساب	Recurrent	برگشتی - سراجی - منناوب
Reckon with	حساب آوردن	Recurrent fraction	کسر منناوب
Rectangle	مستطیل	Recurring	منناوب
Rectangular	قائم الزاویه - مستطیلی -	Recurring series	سلسله برگشتی - سلسله
	مستطی - راست گوشه		سراجی
Rectangular array	آرایه مستطیلی - ماتریس	Recursion	بازگشت - برگشت - تراجع
Rectangular coordinates	مختصات قائم -	Recursive	بازگشتی - برگشتی - سراجی
	مختصات مستطی	Recursive definition	تعریف سراجی یا بازگشتی
Rectangular hyperbola	هذلولی قائم الزاویه -	Recursively	بطور بازگشتی - بطور سراجی
	هذلولی مساوی الساقین	Redouble	دوچندان کردن -
Rectangularity	تعامد		دو باره تکرار کردن - دوچندان شدن
Rectangularly	شکل راست گوشه - بشكل مستطیل	Reduce	کاهش دادن - تحلیل دادن
Rectangular matrix	ماتریس مستطیل شکل	Reduced	باده شده - مخفف - تحلیل یافته
Rectangular parallelepiped	منوازی السطوح	Reduced characteristic equation	معادله منحصه تحلیل یافته
	قائم الزاویه - مکعب مستطیل	Reduced equation	معادله کاهش یافته -
Rectangular right prism	ممنور قائم مستطیل		معادله نقلیل یافته
	القاعده - مکعب مستطیل	Reduced set of residues	مجموعه کاهش یافته
Rectangular solid	مکعب مستطیل		باقیمانده ها
Rectifiable	راست شدنی - با درازای متناهی	Reducible	تحویل پذیر - کاهش پذیر - ساده ندنی
Rectifiable curve	خم راست شدنی -		
	خم با درازای متناهی	Reducing a fraction to the lowest terms	کاهش کسریه ساده برین شکل
Rectifiable path	مسیر راست شدنی - مسیر	Reductio ad absurdum	برهان خلف
	با طول متناهی	Reductio ad absurdum method	روش برهان خلف
Rectification	عمل راست کردن - یافتن طول	Reduction	کاهش - تحویل - نقلیل
	منحنی یا روش راست کردن آن		
Rectifier	یکسوکنده - اصلاح کننده		

Redundant number	عددی که از مجموع مقسوم علیه‌ها بیش کوچکتر است .	Regular figure	شکل منتظم
Reduplicate	مضاعف کردن	Regular heptagon	هفت ضلعی منتظم
Reel	چرخ - پیچ - فرقره - حلقه	Regularity	نظم - ترتیب
Referable	قابل مراجعه - مراجعه پذیر	Regularization	تنظیم - منظم سازی
Referred to the axes	نسبت به محورها	Regularize	تنظیم کردن - مرتب کردن
Reference	مرجع	Regular matrix	ماتریس عادی - ماتریس غیر منفرد
Reference frame	دستگاه محتمات مرجع	Regular pentagon	پنج ضلعی منتظم
Refer to	اشاره کردن به - رجوع کردن به	Regular point of a surface	نقطه عادی سطح - نقطه غیرمنفرد سطح
Refinement	تظریف	Regular polygon	چندضلعی منتظم - کثیرالاضلاع منتظم
Reflect	منعکس کردن - بازتابیدن	Regular polyhedron	چندوجهی منتظم
Reflected	منعکس شده - بازتابیده	Regular sequence	رشته همگرا - دنباله همگرا
Reflected image	تصویر بازتابیده	Regular singularity	انفرد عادی
Reflection	بازتاب - انعکاس	Regular solids	احسام منتظم
Reflector	آینه	Regular value	مقدار عادی
Reflex	بازتاب - انعکاس	Regulate	تنظیم کردن
Reflex angle	زاویه مقعر - زاویه برگشترازیب صفحه	Regulation	تنظیم
Reflexion	بازتاب - انعکاس	Reject	رد کردن - راندن
Reflexive	انعکاسی - بازتابی	Rejection	رایش - رد
Reflexive property of equivalence relation	خاصیت انعکاسی رابطه هم آوری	Rejection region	ناحیه رد
Reflexive relation	نسبت بازتابی - رابطه انعکاسی	Relate	مربوط بودن - مربوط کردن - نسبت داشتن - نسبت دادن
Reflexivity	کیفیت بازتابی	Related	مربوط - وابسته - منسوب
Reflexivity property	خاصیت انعکاسی - خاصیت بازتابی	Related angle	زاویه مربوطه
Refract	تجزیه کردن - شکستن	Related rate	نسبت وابسته - میزان مربوطه
Refraction	انکسار - شکست - تجزیه		سرخ منسوب
Region	ناحیه	Relation	نسبت - رابطه - بستگی
Region of integration	ناحیه انتگرالگیری	Relation companion	هم رابطه
Regression	برگشت	Relationship	رابطه - نسبت - بستگی
Regression curve	منحنی برگشت	Relative	مربوط - نسبی
Regression line	خط برگشت	Relative density	چگالی نسبی
Regrouping	دسته بندی مجدد	Relative distance	فاصله نسبی
Regula	قاعده	Relative error	خطای نسبی
Regular	منتظم - با قاعده - منتظم - عادی	Relatively	بطور نسبی
Regular decagon	ده ضلعی منتظم	Relatively open	بطور نسبی باز
Regular element	عنصر عادی - عنصر وارون پذیر	Relatively prime	متباین - نسبت بهم اول
		Relatively prime numbers	اعداد متباین - اعداد نسبت بهم اول

Relative maximum	ماکزیمم نسبی	Reparametrization	با زیرما بیش
Relative metric induced by.....	متریک نسبی القا شده بوسیله.....	Repartition	بخش - پراکندگی
Relative minimum	مینیمم نسبی	Repeated	مکرر
Relative position	موقعیت نسبی - وضعیت نسبی	Repeated bisections	تقسیمات متوالی - تقسیمات مکرر
Relative product	حاصلضرب نسبی	Repeated integral	انتگرال مکرر
Relative to	نسبت به	Repeated root	ریشه مکرر
Relativistic mass equation	معادله جرم نسبی	Repeated sum	مجموع مکرر
$m = \frac{m_0}{\sqrt{1 - \frac{v^2}{c^2}}}$	که در آن m_0 جرم جسم در حال سکون، v سرعت آن و c سرعت نوری باشد.	Repeating decimal	عددا اعشاری متناوب
Relativity	نسبیت	Repetition	تکرار
Relevant	مربوط	Replace	جایگزین کردن - عوض کردن - جانشین کردن
Reliability	اعتبار - قابلیت اعتماد	Replacement	تعویض - جانشینی - جایگزینی
Reliable	معتبر - موثق	Represent	نشان دادن - نمایش دادن
Reluctance	مخالفت - مقاومت مغناطیسی	Representable	قابل نمایش
Remain	باقی ماندن	Representant	نماینده
Remainder	باقیمانده	Representation	نمایش
Remainder in Taylor's formula	باقیمانده در دستور تیلور	Representative	نمایشگر - نماینده
Remainder in Taylor's theorem	باقیمانده در قضیه تیلور	Reproduce	تکثیر کردن - دوباره ایجاد کردن
Remainder of an infinite series	باقیمانده یک سلسله نامحدود	Reproduction	تکثیر
Remainder term	جمله باقیمانده	Reproductive	قابل تکثیر - تکثیری
Remainder theorem	قضیه باقیمانده	Reproductive property	خاصیت تکثیری
Remark	تصريح - ملاحظه - یادداشت	Repulsion	دفع - رانش
Removable	قابل رفع	Repute	حساب کردن
Removable discontinuity	ناپیوستگی قابل رفع	Require	ایجاب کردن - لازم بودن - لازم داشتن
Removable singularity	انفرد قابل رفع	Requirement	ایجاب - الزام - آنچه مورد درخواست یا نیاز است
Removable singular point	نقطه منفرد قابل رفع	Requisite	لازم - لازمه
Removal	انحلال - جابجایی - رفع - حذف	Research	نتیج کردن - جستجو کردن - تحقیق کردن - پژوهش - جستجو - تجسس - کاوش
Removal of a term of an equation	حذف یک جمله از یک معادله	Residual	باقیمانده ای - مربوط به باقیمانده
Remove	حذف کردن - جابجا کردن - منتقل کردن - رفع کردن - برداشتن	Residue	باقیمانده
Renewal	تجدید - تکرار	Residue class	کلاس باقیمانده ها
Renumbering	تجدید شماره گذاری	Residue of an analytic function	باقیمانده تابع تحلیلی
		Residue system	دستگاه مانده ها
		Residue theorem	قضیه باقیمانده
		Resistance	ایستادگی - مقاومت
		Resistor	مقاومت
		Resolution	تجزیه

Resolution into factors	تجزیه به عوامل	Reversibility	برگشت پذیری - قابلیت برگشت
Resolve	تجزیه کردن	Reversible	برگشت پذیر - قابل برگشت
Resolvent	حلال	Reversion	عکس - ارجاع - عود
Resolvent equation	معادله حلال	Revert	برگشتن - برگرداندن - برگشت
Resolvent of a matrix	معادله حلال ماتریسی	Reverting a series	معکوس کردن سلسله
Resolving	تجزیه	Revivify	احیا کردن
Resonance	تشدید	Revolution	دوران - گردش
Resonance frequency	فرکانس تشدید	Revolve	دوران کردن - گرداندن
Resonator	تشدیدکننده	Rewriting	تاریخ نویسی
Resort	موسل شدن	Rhomb	لوری
Respect	رابطه - رجوع - رجوع کردن	Rhombic	لوزی شکل
Respective	مربوط - مسوب	Rhumb line	خطی که تمام نصف النهارات را بر می خرد را با روابای مساوی غیر قائمه قطع می کند.
Respectively	به ترتیب	Rhombohedron	موازی السطوح مساوی الاضلاع - موازی السطوحی که وجوه آن لوزی هستند.
Respective position of two circles	وضع نسبی دودایره - وضعیت دودایره نسبت به هم	Rhomboid	متوازی الاضلاع - موازی الاضلاعی که زوایای آن غیر قائمه و اضلاع مجاور آن با مساوی هستند.
Response	پاسخ	Rhomboidal	موازی الاضلاع شکل
Rest	باقمانده	Rhombus	لوری
Restrict	محدود کردن - منحصر کردن	Riccati equation	معادله ریکاتی $\frac{dy}{dx} = py^2 + qy + r$ که در آن p, q و r نوابی از x هستند.
Restriction	محدودیت - محدود - قید	Riemann condition	شرط رییمان
Result	نتیجه - پیا آمد - نتیجه دادن	Riemann integral	انتگرال رییمان
Resultant	برآیند	Riemann-Lebesgue lemma	لم رییمان - لوگ. هرگاه f در فاصله [a و b] انتگرال پذیر باشد، آنگاه به ازا هر عدد حقیقی β خواهیم داشت: $\lim_{\alpha \rightarrow +\infty} \int_a^b f(t) \sin(\alpha t + \beta) dt = 0$
Resultant moment	گشتاور منتهجه	Right circular cylinder	استوانه قائم دوار
Resultant of two forces	برآیند دوتنیرو	Right circular cone	مخروط قائم دوار
Resultant of two vectors	برآیند دوبردار	Right conoid	مخروط گون قائم
Resume	ادامه یافتن - از سر گرفتن - دوباره بدرست آوردن - باریافتن	Right coset	همدسته راست
Retardation	کندی - تاخیر	Right derivative	مشتق راست
Retract	منقبض شدن - تورفتن - جمع شدن	Right dihedral angle	زاویه دووجهی قائمه
Retrench	کسر کردن	Right distributivity	بخش پذیری از راست
Reveal	آنگا رک کردن - معلوم کردن	Right factor	عامل راست - مفوم علیه راست
Reversal	نقض - برگشت - واژگون سازی واژگونی	Right-half plane	نیمه راست صفحه - نیم صفحه راست
Reverse	معکوس کردن - واژگون کردن - پشت و رو کردن - وارون کردن - معکوس - وارون		
Reverse lexicographical order	ترتیب ضد الفبایی - ترتیب الفبایی معکوس - ترتیب الفبایی وارونه		
Reversely	به عکس - بالعکس		
Reverse order	ترتیب وارونه - ترتیب معکوس		

Right-hand continuity	پیوستگی راست - اتصال از راست	Rolling	غلبان
Right-handed	راست‌گرد	Roman numbers	اعداد رومی
Right-handed cartesian frame	دستگاه مختصات دکارتی راست‌گرد	Roman numerals	ارقام رومی
Right-handed coordinate system	دستگاه مختصات راست‌گرد	Root	ریشه
Right-handed curve	منحنی راست‌گرد	Root of an equation	ریشه، یک معادله
Right-handed trihedron	کنج سه‌وجهی راست‌گرد	Root of a number	ریشه، یک عدد
Right-hand limit	حد راست - حد سمت راست	Roots of unity	ریشه‌های واحد
Right-hand rule	قانون دست راست	Root test	آزمون ریشه‌ای - فرض کنید $\sum a_n$ یک سلسله نامتناهی باشد.
Right-hand side	سمت راست - طرف راست		آنگاه:
Right helicoid	سطح مارپیچی قائم	الف: اگر $\lim_{n \rightarrow \infty} \sqrt[n]{ a_n } = L < 1$ باشد، سلسله مزیور همگرمی باشد.	
Right prism	مستور قائم	ب: اگر $\lim_{n \rightarrow \infty} \sqrt[n]{ a_n } > 1$ سلسله مزیور واگرمی باشد.	
Right section	مقطع قائم		
Right triangle	مثلث قائم‌الزاویه	Rotary	گردان
Right truncated prism	مستور ناقص قائم	Rotate	دوران کردن - چرخیدن - چرخاندن
Right unit element	عنصر یک‌گذراست	Rotation	دوران - چرخش
Rigid	جامد - صلب	Rotational	چرخشی
Rigid body	جسم صلب	Rotation angle	زاویه دوران
Rigid motion	حرکت صلب - تبدیلی که طولها و روایا را حفظ می‌کند.	Rotation of axes	دوران محورها
Rigid space	فضای صلب	Roughly speaking	صرفنظر از جزئیات - تقریباً
Ring	حلقه	Round	گرد کردن - گرد
Ring with identity element	حلقه با عنصر حقیقی	Round angle	زاویه تمام صفحه (یعنی که بیندرب برای زاویه ۳۶۰ درجه)
Ring with unity	حلقه واحد دار - حلقه‌ای که عنصر حقیقی ضرب را دارا است.	Round bracket	پرانتز
Rise	افزودن - افزایش	Rounded number	عدد گرد شده
Risk	به خطر انداختن - خطر	Rounding	عمل گرد کردن
Rocket	موشک	Rounding off	عمل گرد کردن
Rodrigues's formula	فرمول رودریگز	Round number	عددی حده - عدد صحیح
Rolle's theorem	قضیه رل - هرگاه $f(a)=f(b)=0$ بوده و f در فاصله (a, b) مشتق پذیر باشد، آنگاه نقطه‌ای c باشد موجود است بطوریکه $f'(c)=0$.	Round-off	گرد کردن
		Round-off error	خطای ناشی از گرد کردن
		Row	سطر - رج - ردیف
		Row matrix	ماتریس سطری
		Row operations	اعمال سطری - عملیات سطری
		Row rank	رتبه سطری - مرتبه سطری
		Row space	فضای سطری
		Rule	قاعده - دستور

Rule of signs فاعده علامت - اگر تعداد

ریشه های مثبت معادله جبری

$$p(z) = a_n z^n + a_{n-1} z^{n-1} + \dots + a_0$$

را با m نمایش دهیم و ضرایب $p(z)$ به ترتیب

v بار تغییر علامت دهند داریم $m < v$ و علاوه

بر $(v-m)$ عددی زوج است.

Ruler خط کش مدرج

Rule of multiplication of signs

فاعدده ضرب علامت

Runge-Kutta method روش رونگ کوتا

Run through از میان گذشتن

Russell's paradox تناقض راسل

S

S	حرف نوزدهم الفبای انگلیسی
Saddle	زین
Saddle point	نقطه زین آسبی
Saddle - shaped	زینی شکل
Saltus	قطع پیوستگی - حذف مرحله لازم آسانی در منطق
Same	همان - یکسان
Sameness	یکسانی - همسانی - تشابه
Sample	نمونه - نمونه گرفتن
Sample problem	مسئله نمونه
Sample space	فضای نمونه
Sampling	نمونه گیری
Sampling without replacement	نمونه گیری بدون جایگذاری
Sampling with replacement	نمونه گیری با جایگذاری
Satellite	ماهواره - قمر مصنوعی
Satisfactory	رضا بخش
Satisfy	ارضاء کردن
Saturated	اشباع شده

Saturation	سیری - اشباع
Scalar	عددی - نردی - نرده ای - اسکالر
Scalar capacity	ظرفیت عددی
Scalar equation	معادله عددی - معادله اسکالر
Scalar field	میدان عددی
Scalar multiple	مضرب عددی - مضرب اسکالر
Scalar multiplication	ضرب اسکالر - ضرب عددی ضرب نرده ای
Scalar product	حاصلضرب عددی - حاصلضرب اسکالر - حاصلضرب نرده ای
Scalar quantity	کمیت عددی - کمیت نرده ای کمیت اسکالر
Scale	سنج - مقیاس - مینا
Scalene	مختلف الاضلاع
Scalene triangle	مثلث غیر مشخص - مثلث مختلف الاضلاع
Scatter	پراکنش
Scatter diagram	نمودار پراکنش
Scattering	پراکندگی
Schedule	برنامه زمانی - زمان بندی کردن
Schema	شکل - نمودار - طرح
Schlafl's integral	انتگرال شافل
Schwarzian derivative	مشتق شوارتزی
$\frac{f''(x)}{f'(x)} - \frac{3}{2} \left(\frac{f'(x)}{f(x)}\right)^2$	
Schwarz inequality	نامساوی شوارتز
$\left(\int_a^b f(x)g(x)dx\right)^2 \leq \left(\int_a^b f^2(x)dx\right) \left(\int_a^b g^2(x)dx\right)$	
Schwarz's lemma	لم شوارتز
Science	علم - دانش
Scientific	علمی
Scientifically	بطور علمی
Scientific notation	نماد علمی
Scope	طرح نهائی - هدف - منظور - میدان - قلمرو
Score	نمره - حساب - حساب کردن - حساب آوردن
	ثبت کردن - امتیاز آوردن
Score it under	زیر آن خط بکشید

Screw	پیچ - پیچا سدن - پیچ دادن
Search	جستجو - تجسس - کاوش - جستجو کردن
Sec	اختصار برای سکانت یا عکس کسینوس
Secant	قاطع - خط قاطع
Secant curve	منحنی سکانت



Sech	علامت اخماری برای سکانت هذلولوی
Second	ثانیه - یک شصتم درجه - یک شصتم دقیقه
Second	دوم - دومین - ثانوی
Secondary	فرعی - کمکی - ثانوی
Second coordinate	مختص دوم
Second derivative	مشتق دوم - مشتق ثانی
Second derivative test	آزمون مشتق دوم
Secondly	ثانیا
Second order derivatives	مشتقات مرتبه دوم
Second side of the equality	طرف دوم معادله - طرف راست معادله
Section	مقطع - برش - بخش - قسمت
Sectional	مقطعی
Sectionally	بطور مقطعی
Sector	قطاع دایره - بخش - جزء - ناحیه - تقسیم کردن
Sector of a circle	قطاع دایره
Segment	پاره خط - قطعه خط
Segmental	قطعه‌ای
Segmentary	قطعه‌ای
Segmentation	عمل قطعه قطعه کردن
Segment of a circle	قطعه دایره
Segment of a sphere	قطعه کره
Select	گزیدن - انتخاب کردن
Selection	گزینش - انتخاب
Selective	گزینشی - انتخابی - برگزیده - انتخاب کننده - مبنی بر انتخاب - دارای حسن انتخاب

Self-adjoint	خودبروسته - خودالحاقی
Self-inductance	خودالقانی
Self-consistent	خودسازگار
Self-induction	خودالقانی
Self-shielding	خودمحافظ
Semi	بیتوندی بمعنی نیم
Semicircle	نیمدایره
Semicircular	نیمدایره‌ای
Semiclassic	نیمه کلاسیک
Semiconductor	نیمه هادی - نیمه رسانا
Semicontinuous	نیمه پیوسته - نیمه متصل
Semicontinuous function	تابع نیمه پیوسته
	تابع نیمه متصل
Semi-cubical	نیم مکعبی
Semi-cubical parabola $y = a\sqrt{x}$	سهمی نیم مکعبی
Semicylinder	نیم استوانه
Semidefinite	نیمه معین
Semiempirical	نیمه تجربی
Semigroup	نیم گروه
Semi-infinite	نیمه نامتناهی
Semi-interval	نیم فاصله
Semi-invariant	نیم پایا - نیم ناورد
Semiperimeter	نصف محیط - نیم محیط
Semipolar	نیمه قطبی
Semisphere	نیم کره
Senary	شش - شش ثانی
Sense	جهت - معنی
Sense of a line	جهت یک خط
Sense of an inequality	جهت نامساوی
Sensitivity	حساسیت
Sensitivity analysis	تحلیل حساسیت - بررسی حساسیت
Sentence	گزاره - جمله
Sentential	گزاره‌ای
Sentential calculus	حساب گزاره‌ای
Sentential connective	رابط گزاره‌ای
Separable	جدائی پذیر - جدا شونده
Separable equation	معادله جدائی پذیر
Separable space	فضای جدائی پذیر
	فضای جدا شونده - فضای مجزا

Separate	مجزا کردن - جدا کردن - تفکیک کردن	Set theoretic	مربوط به نظریهٔ مجموعه‌ها
Separated	بجرا - جدا شده	Set theoretic notations	نمادهای نظریهٔ مجموعه‌ها
Separating	جدا نموده	Set theory	نظریهٔ مجموعه‌ها
Separation	جدا سازی - تجزیه - تفکیک	Setting	جایگذاری - تنظیم
Separation axiom	اصل موضوع جدا سازی	Settlement	نشست ساختمان
Separation of variables	تفکیک متغیرها	Seven	هفت
Septenary	هفت تایی - مربوط به هفت	Seventeenth	هفدهم - یک هفدهم
Septennial	هفت سال یکبار	Seventh	هفتم - یک هفتم
Septilateral	هفت ضلعی - هفت بر	Seventieth	هفتادم - یک هفتادم
Septillion	10^{24} در آمریکا و 10^{27} در انگلیس	Seventy	هفتاد
Septimal	در مبنای هفت - هفت هفتی	Several	چند - متعدد
Septuple	هفت تایی - هفت برابر	Severance	جدا سازی - تفکیک - تجزیه
Sequence	دنباله - رشته	Sexagesimal	شصتی - شصت تایی
Sequence of functions	دنبالهٔ توابع	Sexagesimal fraction	کسر شصتی - کسری که مخرج آن توانی از شصت باشد.
Sequential	دنباله‌ای	Sexagesimal system of numeration	دستگاه شمار در مبنای شصت
Sequentially indexed	اندیس گذاشته شدهٔ دنباله‌ای - معافاً " اندیس گذاشته شده"	Sextant	یک ششم دایره
Series	سلسله - سری	Sextillion	در آمریکا 10^{24} و در انگلستان 10^{36}
Series of functions	سلسلهٔ توابع	Sextuple	شش تایی
Set	مجموعه - دسته	Shade	سایه - سایه ردن
Set algebra	جبر مجموعه‌ها	Shape	شکل - شکل دادن
Set inclusion	تعلق مجموعه‌ای	Sharpness	تیزی
Set of all complex numbers	مجموعهٔ کلیهٔ اعداد مختلط	Sheaf	دسته
Set of all integers	مجموعهٔ کلیهٔ اعداد صحیح	Sheet	ورقه - ورق - صفحه - برگ - برگه
Set of all irrational numbers	مجموعهٔ کلیهٔ اعداد اصم	Shift	تغییر مکان - انتقال - انتقال دادن
Set of all rational numbers	مجموعهٔ کلیهٔ اعداد گویا	Shock	تکان - ضربه
Set of all real numbers	مجموعهٔ کلیهٔ اعداد حقیقی	Short	کوتاه
Set of all subsets	مجموعهٔ کلیهٔ زیر مجموعه‌ها	Shorten	کوتاه کردن
Set of definition	مجموعهٔ تعریف	Shorter	کوتاه تر - اقصر
Set of measure zero	مجموعهٔ با اندازهٔ صفر	Show	نشان دادن - نمایش دادن - نمایاندن
Set of sets	مجموعهٔ مجموعه‌ها - مجموعه‌ای که عناصر آن خود مجموعه هستند.	Shrinkage	انقباض
Set of values	مجموعهٔ مقادیر	Shuffle	پرزدن
Set square	نوعی گونیا - گونیای قابل تنظیم	Side	ضلع - بر - پهلو - طرف - جنب
		Side conditions	شرایط جنبی
		Sidereal year	سال نجومی
		Sides of an angle	اضلاع یک زاویه
		Side view	نیمرخ

Sieve	غربال - الک	Simple closed curve	منحنی بسته، ساده - خم جردن
Sieve of Eratosthenes	غربال اراتستن - وسيله‌ای برای یافتن اعداد اول	Simple condition	شرط ساده
Sigma	سیگما - حرف هجدهم الفبای یونانی نماد Σ یا σ	Simple connectivity	همبندی ساده
Sign	علامت - نشان - نشانه - اثر	Simple curve	منحنی ساده
Signal	علامت - نشان - راهنما - اخطار - با علامت ابلاغ کردن - با اشاره رساندن - خبر دادن	Simple cusp	بازگشت ساده
Signature	نشان	Simple equation	معادله ساده
Signed	علامت دار	Simple event	پیشامد ساده
Signed number	عدد علامت دار - عدد جبری	Simple form	شکل ساده
Significant	معنی دار - با معنی	Simple harmonic motion	حرکت نوسانی ساده
Significant digits	ارقام با معنی	Simple hexagon	شش ضلعی ساده
Significant figures	ارقام با معنی	Simple interest	مربحه ساده - بهره ساده
Signum	علامت	Simple order	ترتیب ساده
Signum function	تابع علامت	Simple ordering relation	رابطه ترتیبی ساده
Similar	مشابه - متشابه	Simple pendulum	آونگ ساده - پاندول ساده
Similar ellipses	بیضی های متشابه	Simple point of a curve	نقطه ساده - یک منحنی
Similar ellipsoids	بیضوی های متشابه	Simple pole	قطب ساده
Similar figures	اشکال متشابه	Simple proportion	تناسب ساده
Similar fractions	کسرها ی متشابه	Simple proposition	گزاره ساده
Similar hyperboloids	هذلولی کونهای متشابه	Simple quadrangle	چهار گوش ساده
Similarity	تشابه	Simple root	ریشه ساده
Similarity correspondence	تناظر تشابهی - تشابه نظیر به نظیر	Simplex	ساده
Similarity transformation	تبدیل تشابه	Simplicity	سادگی
Similarly	بطور متشابه - متشابهاً	Simplification	ساده گردانی - ساده سازی - مختصر سازی
Similarly ordered	متشابه الترتیب	Simplified	ساده شده
Similar matrices	ماتریسهای متشابه	Simplified fraction	کسر ساده شده
Similar polygons	چند ضلعی های متشابه	Simplify	ساده کردن - مختصر کردن
Similar polyhedrons	چند وجهیهای متشابه	Simply	بطور ساده
Similar solids	اجسام متشابه	Simply connected	همبند ساده - هموسته ساده
Similar terms	جملات متشابه		مرتبط ساده
Similar to.....	مشابه با.....	Simply connectedness	همبندی ساده - هموستگی ساده - ارتباط ساده
Similar transformations	تبدیلات متشابه	Simply connected region	ناحیه مرتبط
Similar triangles	مثلث های متشابه		ساده - ناحیه همبند ساده - ناحیه هموسته ساده
Similitude	تشابه	Simply connected set	مجموعه همبند ساده مجموعه مرتبط ساده - مجموعه هموسته ساده
Simple	ساده - مختصر - بسیط	Simply ordered set	مجموعه مرتبه ترتیب ساده
Simple arc	کمان ساده - کمان جردن		

Simpson's rule	دستور سیمپسون
$\int_a^b f(x) dx \approx \frac{1}{3(b-a)} [f(a) + 4f(\frac{a+b}{2}) + f(b)]$	
$- \frac{(b-a)^5}{32} f^{(5)}(\xi)$	که $a < \xi < b$ است .
Simulation	شبیه سازی
Simultaneous	توأم - با هم - مفارن -
Simultaneous equations	معادلات توأم - دستگاہ معادلات
Simultaneous inequalities	نا معادلات توأم - دستگاہ نا معادلات
Simultaneous linear equations	معادلات خطی توأم - دستگاہ معادلات خطی
Simultaneously	توأم ما - با هم - بطور همزمان
Sine	سینوس - جیب
Sine curve	منحنی سینوس
Sine series	سری سینوسی
Single	تک - منفرد
Single-element event	پیشا مدتک عضوی
Single-valued	تک مقداری
Single-valued function	تابع تک مقداری
Singular	منفرد - تکین
Singularities	نقاط منفرد
Singularity	انفراد - نقطه منفرد
Singular matrix	ما تریس منفرد
Singular point	نقطه منفرد - نقطه تکین
Singular point of a surface	نقطه منفرد یک سطح
Singular point of an analytic function	نقطه منفرد یک تابع تحلیلی
Singular solution	جواب منفرد - جواب تکین
Singular solution of a differential equation	جواب منفرد یک معادله دیفرانسیل - جواب تکین یک معادله دیفرانسیل
Sinh	علامت اختصاری برای سینوس هذلولوی
$\sinh x = \frac{e^x - e^{-x}}{2}$	

Sink	چاه
Sinusoid	منحنی سینوسی
Sinusoidal	مربوط به منحنی سینوسی
Situate	جا دادن
Situation	وضعیت - موقعیت
Six	شش
Six-angled	شش گوش
Sixteen	شانزده
Sixthly	ششام
Sixtieth	شصتمین - شصتم - یک شصتم
Size	اندازه - بزرگی
Sketch	طرح کردن - نقشه کشیدن - طرح - نقشه
Skew	متنافر - کج - منحرف - اریب - چپ
Skew curve	منحنی فضائی - منحنی معوج - یک منحنی که نقاط آنرا نتوان روی یک صفحه قرار داد .
Skewed	کج - منحرف - اریب
Skew-field	حلقه تقسیم - میدان اریب
Skew lines	خطوط متنافر
Skewness	کجی - تمایل - تنافر
Skew quadrilateral	چهارضلعی معوج - نوعی چهارضلعی که رئوس آن بر یک صفحه واقع نیستند .
Skew symmetric	متقارن چپ - ماتریس مربع $A = [a_{ij}]$ را متقارن چپ گویند هرگاه : $a_{ij} = -a_{ji} \quad \forall i, j$
Skew-symmetric matrix	ما تریس متقارن چپ
Slack	سست - ناپایا
Slack variable	متغیر سست
Slant	اریب - مایل - کج کردن
Slant height	مولد مخروط - سهم هرم
Slant line	خط کسری - خط مورب
Slantwise	بطور مایل - بطور مورب
Slide	لغزیدن - لغزش - لغزنده
Slide rule	خط کش معاسبه
Sliding	لغزان
Sliding scale	جدول قابل تطبیق با درآمد افراد
Sliding vector	بردار لغزان
Slit	شکاف - چاک - رخنه

Slobbovian integral - انتگرال اسلوبووی -

هرگاه ناحیه f روی کلیه اعداد گویای منطبق به فاصله $[a, b]$ تعریف شده آنگاه حد

$$S(f) = \lim_{n \rightarrow \infty} \frac{1}{n} \sum_{k=1}^n f\left(\frac{k}{n}\right)$$

را در صورت وجود انتگرال اسلوبووی ناحیه f مینامند.

Slope - شیب - ضریب زاویه - تانژانت زاویه‌ای که خط با جهت مثبت محور x ها می‌سازد.

Slope angle - زاویه، عمایل - زاویه، انحراف

Slope of a curve at a Point

شیب منحنی در یک نقطه

Slope of a line

شیب یک خط -

ضریب زاویه، یک خط

Slopeswise

بطور عمایل - بطور مورب

Sloping

سراشیب - عمایل - مورب

Small

کوچک - خرد

Small circle

دایره، صغیره

Smaller

کوچکتر - کمتر

Smaller than

کوچکتر از

Smallest

کوچکترین - کمترین - اقل

Smallest element

کوچکترین عنصر -

عنصر کمینه - عضو کمینه - عنصر اقل

Smallest member

کوچکترین عضو

Smallest number

کوچکترین عدد - عدد اقل

Smooth

هموار

Smooth surface

سطح هموار

Smooth curve

منحنی هموار

Smooth function

تابع هموار

Smooth hyper-surface

ایر سطح هموار -

فوق سطح هموار

Smooth surface

سطح هموار

So

بنابراین

Social

اجتماعی

Social sciences

علوم اجتماعی

Sociology

جامعه شناسی

Solar

خورشیدی - شمسی

Solar day

روز خورشیدی

Solar time

زمان خورشیدی

Solenoidal-field

میدان سولنوئیدی -

میدان برداری H روی ناحیه S سولنوئیدی است اگر برای هر سطح بسته S که کاملاً

$$\oint_{\partial S} H \cdot ds = 0$$

در آن قرار گیرد؛ با استفاده از قضیه دیوژرانس گوس تعریف

شود معادل است با اینکه برای هر نقطه P در S :

$$\text{div } H = 0$$

Solid

حجم - جامد - سولید - سه بعدی -

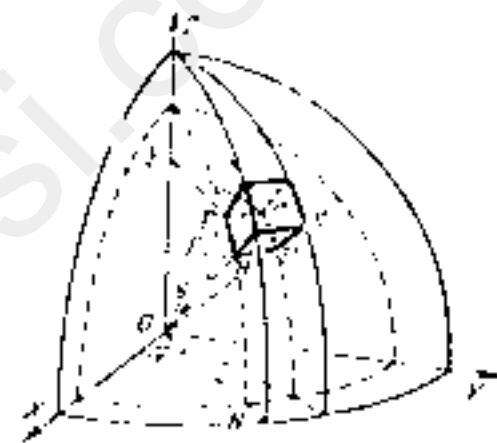
کعب - یک پارچه - مکعب

Solid angle

زاویه، فضائی - زاویه، جسمی -

ناحیه حاصل از اتصال نقطه‌ای ثابت به نام زاویه

به نقاط یک منحنی بسته



Solid analytic geometry هندسه تحلیلی فضائی

Solid figure

شکل فضائی

Solid geometry

هندسه فضائی

Solid of revolution

جسم دوار

Soluble

حل شدنی - قابل حل - حل پذیر

Solution

حل - جواب

Solution by radicals

حل بوسیله ریشه گیری

Solution of a differential equation

حل یک معادله دیفرانسیل

Solution of a triangle

حل مثلث

Solvable

قابل حل - حل شدنی - حل پذیر

Solve

حل کردن

Some

بعضی - برخی - تعدادی - کم و بیش

So that

بطوریکه - چنانکه

Souree

منبع - منشاء - مبدا

Space curve

منحنی فضائی

Space figure

شکل فضائی

Space filling curve

خم فضا پرکن - منحنی فضا پرکن